



انترناسیونال ۴۸۱

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم جنبش
بازگرداندن



حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran

منصور حکمت hekmat.public-archive.net

جمعه ۱۰ آذر ۱۳۹۱، ۳۰ نوامبر ۲۰۱۲ - ۱۶ صفحه

کیفرخواست علیه یک دنیای وارونه و ضد زن

جای این کره خاکی اعمال میشود. سرمایه داری نظامی که از بنیاد بر خشونت سازمان یافته متکی است، خشونت بر علیه زنان را در چند دهه اخیر، با جنایت بارز علیه بشریت در کشورهای اسلام زده، به منتهی درجه رساند. در بخش هایی از کره زمین، دولتهایی سرکار آمدند که

مینا احدی

۲۵ نوامبر روز جهانی اعتراض به خشونت بر علیه زنان است. خشونت که در بطن نظام سرمایه داری لانه کرده و در ابعادی سیاسی و اجتماعی، روحی و روانی علیه زنان یعنی نیمه جامعه در همه

ادامه صفحه ۵

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری در باره اتفاقات اخیر مصر:

تعرض قدرتمند انقلاب در مصر!

دیکتاتوری چند دهه ای را از اریکه قدرت بزیر بکشد و به اولین هدف سیاسی اش برسد. وقتی توده های خشمگین طبقه کارگر در مراکز صنعتی

دیکتاتوری رژیم مبارک را به زانو درآوردند. انقلابی که در سنگر اصلیش میدان تحریر، در همان لحظات انقلاب الگوی زنده ای از جامعه انسانی مورد نظرش را به نمایش گذاشت. انقلابی که فقط ۱۸ روز نیاز داشت تا یک

انقلاب مصر برای "ثان و آزادی و حرمت انسانی" بود. انقلابی که در آن، نسل جوان پرشور و آگاه، کارگران و خیل عظیم بیکاران و زنان و مردان از همه مصر ۸۰ میلیونی به خیابان آمدند و با قدرت متحدشان اولین مانع،

ادامه صفحه ۳

محمد مرسی، حسنى نا مبارک!



مصطفی صابر

که اکنون بورژوازی در مصر با آن روبروست با مشت آهنین ظاهر شود و تحت نام "دفاع از انقلاب" اختیاراتی برای خود وضع کند که حتی مبارک هم از آن برخوردار نبود. او حق داشت که تصور کند در این راه از حمایت ضمنی و دست کم غیر فعال ارتش و همچنین غرب (بخصوص بعد از نقشی که وی در برقراری آتش بس بین حماس و اسرائیل ایفا کرده بود) برخوردار است. چون آنچه که بورژوازی زخم خورده از انقلاب در مصر در حسرت آن میسوزد، همانا يك مشت آهنین است. آهنین تر از مبارک، اما واکنش جامعه انقلابی مصر بویژه تظاهرات عظیم سه شبه گذشته

ابعاد و رادیکالیسم اعتراضات و تظاهرات هایی که طی هفته گذشته در سراسر مصر علیه "فرمان" محمد مرسی برپا شد بیش از همه خود او و جریانات اسلامی را غافلگیر کرد. اما صف غافلگیر شدگان وسیع تر از این است. مرسی کوشید با فرصت طلبی آخوندی در شرایط دشواری

ادامه صفحه ۲

صفحات دیگر

۲۵ نوامبر روز جهانی علیه خشونت علیه زنان، روز کیفرخواست علیه رژیم اسلامی

شهلا دانشفر

معرکه گیری "ضریح چرخانی حسینی حکومت"

محمد شکوهی

مصافی دیگر علیه جمهوری اسلامی ایران و مساله پناهجویان ایران در آلمان

محمدامین کمانگر

پیرامون دستور خامنه ای به مجلس برای توقف طرح سؤال از احمدی نژاد

هادی وقفی

تنظیم گزارش از نسان نودینیان

میتینگ های روز ۲۴ نوامبر (۴ آذر) علیه اعدام و در دفاع از زندانیان سیاسی بر متن گسترش

اعتراضات مردم علیه اعدام ها، اعتراضات زندانیان سیاسی و گسترش فضای اعتراضی در جامعه ایران انجام شد، مهر آنها را داشت و با موفقیت به پیش رفت. صدها نفر در تعدادی از

شهرهای اروپا، آمریکا و کانادا و استرالیا به ابتکار کمیته بین المللی علیه اعدام، کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، کمپین برای آزادی

ادامه صفحه ۱۰

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

محمد مرسی، حسنی نا مبارک!

از صفحه ۱

در میدان التحریر، مشت آهنین کذایی را به مشت کاه تبدیل کرد. با این مثلا ابتکار مرسی تازه به دوران رسیده درد سر بورژوازی مصر حتی بیشتر میشود. او میخواست حسنی مبارک شود ولی نامبارک شد! اول اینکه اخوان المسلمین و سلفی ها مجبورند برای آنکه با افتضاح عقب نشینند به زور آزمایی خیابانی با انقلاب مصر بپردازند. (برای شبیه فراخوان تظاهرات داده اند.) بسیار عالی، این گوی و این میدان! این میتواند نقطه عطفی در تسریع ریزش نیروهای اسلامی در مواجهه با صف انقلابیون باشد. مهمتر، میتواند موجب گسترش و تعمیق حرکت انقلابی نوینی گردد که در زیر پوست جامعه مصر جریان دارد. این دومی را بخصوص ارتش و غرب و کل بورژوازی دوست ندارند.

تعمیق انقلاب؟ شکل گرفتن فاز جدیدی در انقلاب که کارهای نیمه کاره انقلاب ژانویه ۲۰۱۱ را به سرانجام برساند؟ نه این یک کابوس وحشتناک است. نه فقط برای بورژوازی مصر بلکه برای کل منطقه و به این اعتبار کل جهان. اما برای مردم تشنه آزادی و رهایی این یک آرزوی پر شور و بر آمده از ته دل است.

بورژوازی در مصر طبعاً دستش خالی نیست و امیدهایی هم دارد. یکی میتواند این باشد که "لیبرال" هایی مثل البرادعی - که فوراً مرسی را "فرعون جدید" نامیدند که به دمکراسی باور ندارد - از دل حوادث جاری به جلوی صحنه سیاست مصر بیایند. ولی تصور اینکه کسی چون البرادعی بتواند گرایش ها و جنبش های مختلف بورژوایی را متحد کند و در ضمن کار بریدن سر انقلاب با پنبه دمکراسی و لیبرال بازی را به

عمل کنند. ولی آنها قادر نخواهند بود پاسخ روشنی برای تناقض بنیادی که جنبش اسلامی بطور کلی بعد از انقلابات خاورمیانه با آن روبرو شده است بیابند. از یکسو دوره قمری چرخانی اسلام غرب ستیز بشیوه خمینی گذشته است و از سوی دیگر روشنی می بینیم که اسلام خوش خیم نوع اردوغانی هم چنانکه در مورد مصر داریم، نمی تواند پاسخ مردمی را بدهد که چشمشان را به دهکده جهانی باز کرده اند و آزادی و رفاه و حرمت

کهنه ای است که ارتش در تمام طول انقلاب مصر با مهارت انجام داده است. با همین "بی طرفی" دستورات مبارک را انجام میداد و در نهان و آشکار میکشت و وقتی معلوم شد بقای مبارک ممکن نیست، او را آرام از صحنه خارج کرد و نظم ضد انقلابی را حفظ کرد و باز با لطایف الحیل دست اسلامیون را گرفت و بالا کشید. و اکنون هم با همین "بی طرفی" مترصد فرصت خواهد بود تا به وقت خود به اسم "اعاده نظم" و

بخصوص در متن اوضاع سرمایه داری جهانی و بحران و رکودی که با آن مواجه است بیشتر معنی دارد. ثالثاً خطر بزرگتر این احتمال است که در درون خود ارتش شکاف ایجاد شود و این مصادف شود با اینکه جامعه و انقلاب تمام نیروی خود را علیه ستون فقرات ضد انقلاب یعنی خود ارتش متمرکز کند.

این است که علیرغم همه امیدها، بورژوازی مصر همچنان چون مار زخم خورده به خود می



پیچد و راه حل روشنی ندارد. آنچه که مسلم است جدال طبقاتی و مواجهه انقلاب و ضد انقلاب در مصر بالا خواهد گرفت. تنها سیر روبه جلو و پایدار در جامعه این است که انقلاب مصر همه نیروهای ضد انقلابی اعم از اسلامی و غیر اسلامی را کنار بزند، ارتش و ماشین دولتی را درهم شکند و توده اهالی خود برای ساختن زندگی و جامعه ای جدید بصورت یک دولت انقلابی و متکی بر اراده بلافصل و مستقیم شهروندان متشکل شوند.

اما این راه حل خود بخود متحقق نخواهد شد. چنین کاری

ادامه صفحه ۳

"ثبات" و غیره به میدان بیاید و ختم انقلاب را اعلام کند. اما زهی خیال زیادی خوش!

این سناریو مشکلات و موانع جدی دارد. اولاً که یادمان نرود تا بحال چندبار امتحانش کردند و هر بار مثل همین ژنرال بی ستاره مرسی مجبور شدند عقب بنشینند. ثانیاً حتی اگر فرض کنیم ارتش موفق به چنین کودتایی شود این طبعاً بازگشت به عقب و قهقرا و در بهترین حالت رسیدن به نقطه صفر است. یعنی همانجایی که انقلاب مصر علیه مبارک شروع کرد. ممکن است به زور چماق بتوانند چند صباحی جامعه را بدینگونه اداره کنند اما سرانجامی نخواهد داشت. این

میخواهند. اسلامی ها برای بود و نبود خود خواهند جنگید و اینرا ایدا نباید دست کم گرفت. اما در سرازیری افول قرار دارند. تا همینجا هم بازنده اصلی "فرمان" اخیر جناب مرسی جنبش کثیف اسلامی بوده است.

اما امید واقعی تر بورژوازی در مصر به ارتش است. این که ارتش ضمن حفظ نظم و با موضع "بی طرفی" منتظر بماند تا گرایشات مختلف جامعه مصر، اسلامی ها و لیبرال ها و چپ ها و انقلابیون آنقدر به سر و کول هم بزنند تا از نفس بیفتند و آنگاه با شعار نجات جامعه از هرج و مرج دست به کودتا بزنند و قدرت را تماماً قبضه کند. این البته بازی

مردم آنهم برای چند صباحی بیاید. آنقدر که مردم را دنبال نخود سیاه بفرستد و به ژنرال ها و جانی های اسلامی و غیر اسلامی فرصت بدهد تا دشنه هایشان را تیز کنند. معمولاً اولین قربانی هم خود دمکراسی و لیبرال های بعضاً خام خیال یا متظاهر و مزور خواهند بود. در هر حال تصور نمی کنم مردم اینقدر خام باشند.

اسلامی ها علیرغم شیرینکاری اخیر مرسی همچنان بازیگران جدی تری در حفظ منافع بورژوازی و ضد انقلاب در مصر خواهند بود. گرچه تو دهنی محکمی که جناب مرسی دریافت کرد باعث خواهد شد که سران این جنبش با احتیاط بسیار بیشتری

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری در باره اتفاقات اخیر مصر:

تعرض قدرتمند انقلاب در مصر!

از صفحه ۱

اسکندریه و سوئز و قاهره در مقابل نیروهای امنیتی حکومت به نبردی سهمگین مشغول بودند؛ وقتی جوانان پرشور انقلاب در باریکادهای میدان تحریر در مقابل توحش طبقات حاکم نبردی شورانگیز را تجربه میکردند؛ جهان سرمایه داری، از دول غرب گرفته تا بورژوازی خود مصر متحد شدند تا این انقلاب را در نیمه راه متوقف کنند. در چنین شرایطی بود که اخوان المسلمین،

که به این شیخ ترسناک پایان دهد. فرمان اخیر مرسی حرکتی در این مسیر بود. او خود را قدر قدرت اعلام کرد تا بتواند علیه انقلاب فرمان های لازم الاجرا صادر کند. او وقیحانه خود را "رهبر انقلاب" نامید تا وظیفه ضدانقلابی دولتش را در لباس دوست انقلاب پیش ببرد.

اما واکنش کارگران، جوانان و زنانی که در ۲۱ ماه گذشته حتی یک لحظه از اعتراض باز نایستاده اند قدرتمند بود. مردم به این تعرض ضد انقلاب با تعرضی

روزهای اولش، اینبار آگاه تر، بالغ تر و با مطالباتی روشن تر و متعین تر آماده بازگشت است. انقلاب مصر نه به پیروزی کامل رسیده است و نه شکست خورده است. کشمکش انقلاب مصر و ضدانقلاب در قالب دولت مرسی همچنان ادامه دارد. تنش هفته اخیر فقط یک برآمد از این کشمکش است. بورژوازی مصر تلاش کرد نقطه پایانی به این تنش بگذارد اما تیرش کمانه کرد و به پای همان دولتش خورد.

انقلاب مصر به پیروزی کامل نرسید. دیکتاتور را کنار زد اما نتوانست آن ساختار سیاسی را که مبارک فقط یک مهره سیاسی شاخصش بود در هم بکوبد. نتوانست کل نظام طبقاتی را همراه با نهادهای سیاسی و نظامی و امنیتی و اداریش نابود کند و به جایش اعمال اراده توده وسیع کارگران و توده های وسیع مردم زحمتکش و ستمدیده مصر را مستقر کند. نتوانست آن نظم اقتصادی طبقاتی را زیر و رو کند که ساختار سیاسی سرکوبگر، دیکتاتوری و دیکتاتور را تولید و باز تولید میکند.

نیروی اصلی انقلاب مصر، طبقه کارگر، توده های وسیع بیکاران و جوانان و زنان و مردانی هستند که دهه های متمادی زیر پای سرمایه داری و دیکتاتورهایش له شده اند. چنین نیرویی میتواند دهها دیکتاتور را بزیر بکشد اما این نیروی عظیم نتوانست از سقوط دیکتاتور فراتر برود و کل نظام سیاسی و کل سیستم اقتصادی و طبقاتی سرمایه داری مصر را زیر و رو کند چون به یک رهبری رادیکال و روشن مجهز نبود. قلب انقلاب مصر با شدت و قدرت همچنان میتهد اما در میان این میلیونها



مقابل جواب دادند. مرسی به نمایندگی از باند حاکم اما در قالب "دوست انقلاب" تلاش کرد به هر گونه آمال و آرزوی انقلابی مردم علیه نظم موجود پایان دهد؛ اما بیش از ۲۰۰ هزار نفر به خیابانها بازگشتند، به میدان تحریر بازگشتند و اعلام کردند که "اخوان المسلمین انقلاب را دزدیده است!" و در مقابل این دزدان انقلاب همان پرچمی را بلند کردند که در مقابل دیکتاتوری سابق: "الشعب یرید اسقاط النظام" (مردم خواهان سقوط رژیم هستند)!

همه اینها شاهد این حقیقت است که انقلاب مصر را نتوانسته اند شکست دهند. این انقلاب با همان آمال و آرزوهای انسانی

همان نیروی ارتجاعی که از بالای سر انقلاب با ارتش بده بستان میکرد، به جلوی صحنه سیاسی رانده شد و نهایتاً قدرت سیاسی را با هدف توقف انقلاب بدست گرفت. این دولتی است که وظیفه اش پایان دادن به انقلاب، بازگردان نظم و امنیت مورد نیاز سرمایه است. این دولت ضد انقلاب مصر در دوره انقلاب است.

اگر چه انقلاب مصر عقب نشسته اما پایان نیافته است چون به هدف اصلیش یعنی "نان، آزادی و حرمت انسانی" نرسیده است. شبخ آن انقلاب حتی یک لحظه هم از بالای سر سرمایه داری مصر و دولت تازه پایش کنار نرفته است. همه رسالت دولت مرسی این است

قلب تپنده، نیروهای وسیع چپ و رادیکال هنوز نتوانسته اند حزب سیاسی کمونیستی را شکل بدهند و انقلاب را به یک مرکز فرماندهی سیاسی رادیکال مجهز کنند. حزبی که "نان، آزادی و حرمت انسانی" بر پرچمش نوشته شده باشد. حزبی که چشم انداز و افق سوسیالیسم را در برابر جامعه قرار دهد، طبقه کارگر مبارز مصر، زنان تشنه آزادی و برابری و نسل جوان انقلابی مصر را با مطالباتی روشن در یک صف متحد و متشکل کند و کل انقلاب را رهبری کند. حزبی که در مقابل توطئه های کثیف دهها حزب و سازمان متعلق به طبقه

حاکم، انقلاب را هدایت کند، برای هر قدمش نقشه داشته باشد، دسیسه های طبقات حاکم مصر و متحدین جهانیش را بخواند و خنثی کند. انقلاب مصر برای پیروزی نهاییش مثل اکسیژن به چنین حزبی نیاز دارد. در مصری که یک دیکتاتوری سه دهه ای را در هم شکسته و درگیر یک مبارزه همه جانبه و غنی با طبقه حاکم است، زمینه شکل گیری چنین حزبی بیش از هر زمان فراهم شده است.

حزب کمونیست کارگری ایران
۹ آذر ۱۳۹۱، ۲۹ نوامبر ۲۰۱۲

محمد مرسی، حسنی نا مبارک!

از صفحه ۲

زمان دیگر احتیاج دارد خود را بصورت حزب و جنبش سیاسی متشکل نماید و تا چنین نکند و کار را به نفع مردم و انقلاب یکسره نکند، جامعه مصر دستخوش جدال و کشاکش دائمی، گاه حاد تر و گاه خفیف تر خواهد بود.

نکته اینجاست که چنین تحولی نه فقط در جامعه مصر، نه فقط در کل جوامعی که در معرض نسیم "بهار عربی" قرار گرفت، بلکه همه جای دیگر دنیا و بویژه در ایران ضروری است. بیشترین کمکی که ما میتوانیم به انقلاب مصر بکنیم این است که

با درس آموزی از وقایع آن بکوشیم به قدرت انقلاب مردم جمهوری اسلامی را سرنگون کنیم و در عین حال اجازه ندهیم طنطاوی ها و مرسی ها و البرادعی های ایران بیایند صحنه را در دست بگیرند. بلکه کارگران و مردم خود مستقیماً دولت و حاکمیت خود را برقرار سازند و مدل واقعی تحقق و آزادی و حرمت انسانی را به همه جهانیان عرضه کنند. (۲۹ نوامبر)*

۲۵ نوامبر روز جهانی علیه خشونت علیه زنان، روز کیفرخواست علیه رژیم اسلامی



شلا دانشفر

۲۵ نوامبر، ۵ آذر روز جهانی نفی خشونت علیه زن را پشت سر گذاشتیم. نفس اینکه چنین روزی در لیست روزهای جهانی آنهم از طرف سازمان ملل اعلام میشود، ابعاد حقیقت تلخی به اسم "خشونت علیه زن" را در مقابل ما قرار میدهد. روشن است که خشونت و تبعیض علیه زن اساسا و تاریحا ناشی از نظام طبقاتی و پدیده ای جهانی است. در همه جای دنیا و در ابعاد مختلف بر زنان خشونت روا داشته میشود. از جمله بر اساس آمار بهداشت جهانی در هر ۱۸ ثانیه یک زن مورد خشونت و بدرفتاری قرار میگیرد. همچنین بر اساس آمار و بررسی در سطح جهان ۱۰ تا ۵۰ درصد از زنان به نحوی مورد بدرفتاری فیزیکی همسرانشان قرار دارند.

اما این خشونت در کشورهای با قوانین اسلامی که اساس آن ضدیت با زن و تبعیض جنسیتی است، ابعادی فاجعه بار دارد. بطورمثال در افغانستان در شش ماهه اول امسال از ثبت ۳۵۰۰ مورد خشونت علیه زنان خبر داده میشود. همچنین در پاکستان در همین فاصله نزدیک به ۳۱۳۲ زن مورد خشونت قرار گرفته اند. که از این تعداد ۴۳۲ زن به قتل رسیده اند، ۱۱۰ زن مورد تجاوز قرار گرفته اند، ۱۹۷ زن پس از اینکه مورد تجاوز قرار گرفتند به قتل رسیدند و ۳۳۲ مورد ربوده شده اند. و ۲۰۱ زن نیز

مجبور به ازدواج های اجباری شده اند. این آمار هشدار دهنده است. البته اینها تنها بخش ثبت شده و خشونت فیزیکی آشکار علیه زنان در این کشورهاست. وگرنه بسیاری از اشکال دیگر خشونت همچون خشونت جنسی، خشونت رفتاری و روانی، خشونت علیه کارکنان زن در محیط های کار، خشونت در زندانها، تجاوز های سیستماتیک، و غیره و غیره نه جایی ثبت است و نه کسی از آن خبردار میشود. چرا که بسیاری از اینها خشونت هایی است که حتی بعضا از آن سخنی بر لب آورده نمیشود، چون موضوع "ناموسی" و "حیثیتی" قلمداد شده و به ادامه زندگی يك زن در همان جامعه با مناسبات ضد زن حاکم گره میخورد.

يك كانون دایمی خشونت علیه زن در سطح جهانی، ایران است. طبیعا این داستان قدیمی تر از حیات جمهوری اسلامی است. در زمان شاه نیز مذهب رسمی اسلام و قوانین حاکم بر جامعه متأثر از قوانین ارتجاعی اسلامی و تبعیض علیه زن بود. اما در حاکمیت رژیم اسلامی این مساله ابعاد فاجعه باری بخود گرفته و این داستان سی و چند ساله و به قدمت عمر این حکومت است.

در حاکمیت رژیم آپارتاید جنسی جمهوری اسلامی در ایران ستمکشی و خشونت علیه زنان جزئی جدایی ناپذیر از قوانین ارتجاعی اسلامی و دستگاه قضایی و ماشین سرکوب و جنایت حکومت است و شکلی قانونی و سیستماتیک یافته است. از همین ابعاد آنرا نمیتوان با آمار و ارقام بیان کرد و این امری که هر روزه جریان دارد و زنان در ایران مورد سرکوب و خشونت هر روزه دولتی قرار دارند. از جمله حجاب و تبعیض جنسیتی دو رکن مهم این خشونت است که رژیم اسلامی برای برافراشتن پرچم آن

از همان بدو به حاکمیت رسیدنش دست بکار شده و برای به اجرا در آوردنش تمام نیروی سرکوب، دستگاه قضایی و قوانین اسلامی و کل سیستمش را به خدمت گرفته است. انجام این کار در طول سی و سه سال حاکمیت این رژیم جزئی از روند دایمی سرکوب کل جامعه بوده است.

بانی و تقویت کننده فرهنگ ضد زن مردسالارانه در سطح خانواده و جامعه نیز عمدتا حکومت اسلامی و قوانین ضد زن آن است. در حاکمیت رژیم اسلامی زن يك كالاي جنسی است. بنا بر قوانینش زن دارایی و ملك مرد محسوب شده و "تفقه" بگیر مرد است. با تعیین مهریه در واقع برایش نرخ تعیین میشود و رئیس خانواده نیز مرد است. زنی که از فرمان همسرش تمرد کند، مرد حق تنبیه اش را دارد. شکایت زن نیز در برابر خشونت های خانوادگی راه به جایی نمیبرد، اگر مرد نفقه خود را پرداخت کرده باشد. بر پایه چنین سیستمی خانواده ای که تنها سرپرست آن زن باشد، خانواده "بی سرپرست" خطاب میشود.

بنا بر قوانین رژیم اسلامی زن از پایه ای ترین حقوق اجتماعی مثل حق طلاق و نگهداری از کودک و غیره محروم است. نگاهی به دادگاههای رژیم اسلامی و صف زنانی که برای جدایی از همسرانشان و خلاصی از زندگی ای که در آن مورد تعرض هر روزه قرار دارند و هفت خوانهای رستمی که در مقابلشان قرار میگیرد، به روشنی ابعاد وحشتناک و تکانهنده ستم و خشونت علیه زنان را به نمایش میگذارد. بدین ترتیب جمهوری اسلامی عامل و بانی دامن زدن به خشونت علیه زن در جامعه است و تحقیر و آزار زن يك جزو سیستماتیک قوانین جاری است.

در جمهوری اسلامی بچه از همان سن نه سالگی بجرم دختر بودن، زندگی و سرنوشتش رقم زده میشود. از همان کودکی او در زندان حجاب محصور شده و عملا از ارتقا و رشد بسیاری از توانایی هایش محروم شده و شادی کودکانه از او گرفته میشود. بنا بر قوانین این حکومت برای کودک نه ساله مراسم تکلیف میگیرند، قوانین محرم و نامحرم را بگوشش میخوانند چون بنا بر شرع اسلامی وقت همسر دادش رسیده است. از جمله همین امروز آمارهای تکان دهنده ای از

ازدواج کودکان را می بینیم. علاوه بر عوامل اقتصادی واجتماعی وجود چنین پدیده ای، خود نشانه بارز دیگری از خشونت جنسی بر کودکان دختر است که تنها با تکیه بر قوانین اسلامی امکان پذیر شده است. بدین ترتیب بنا بر قوانین ارتجاعی اسلامی، خشونت علیه زنان از همان کودکی آغاز میشود و بهترین سالهای زندگی يك زن را در بر میگیرد.

جمهوری اسلامی خود سازمانده صیغه این شکل رایج تن فروشی اسلامی است. در حاکمیت رژیم اسلامی سن تن فروشی به ۱۱ سال رسیده است و بطور واقعی سخن از تجاوز "قانونی" به کودکان و آزار جنسی آنان است. چون از نظر این جانیان دختر از ۹ سالگی به سن تکلیف رسیده است.

در جمهوری اسلامی خشونت علیه زن داستان زندگی زنی است که اجازه انتخاب همسر ندارد و در سن کودکی او را وادار به ازدواج میکنند و رسما در چهارچوب خانواده و ازدواج اسلامی به او تجاوز میشود. زنی که مورد تعرض و تحقیر هر روزه قرار میگیرد و وقتی هم عاصی شده و ناگزیر به فرار از خانه شده، بخاطر گریز از دست "مالک" خود، مجرم شناخته می شود و یا به کام باندهای قاچاق کشیده شده و در هر صورت سر از زندان در می آورد.

خلاصه کلام اینکه خشونت علیه زن در جمهوری اسلامی داستان زندگی قربانیانی چون کبری

رحمانپور ها است که بخاطر فقر و محرومیت سر از مناسباتی در می آورند که مورد آزار هر روزه جنسی و تعرض و خشونت قرار میگیرند و قانون بعنوان "مجرم و خطاکار" به سراغشان می رود. یا اینکه داستان زندگی کسانی چون سکینه محمدی آشتیانی است که محکومیتش به سنگسار دنیایی را به تکان در آورد. اینها همه گوشه هایی از ابعاد هولناک ستمکشی زن و خشونت هر روزه علیه زنان در ایران است که هر کدام بنوبه خود تکانهنده و جنایتبار است.

اما در برابر چنین واقعیت هولناکی جامعه ای را می بینیم که مبارزه علیه تبعیض علیه زن و ابعاد خشونت بارش يك عرصه مهم مبارزه مردم با حکومت اسلامی است. وضعیت حجاب در ایران و عقب رفتن هر روزه اش، اظهارات هر روزه مقامات این رژیم مبنی بر شکستشان در بر افراشته نگاهداشتن حجاب این پرچم آپارتاید جنسی به روشنی قدرت جنبش علیه تبعیض و ستم و نابرابری علیه زن را به عنوان جنبشی قدرتمند علیه رژیم اسلامی و قوانین ارتجاعی اسلامی اش به نمایش میگذارد.

۲۵ نوامبر اعلام کیفرخواست جنبش رهایی زن علیه رژیم آپارتاید جنسی در ایران است که سی و سه سال است جنایت میکند و زندگی و معیشت کل جامعه را چنین به تباهی کشیده است. جمهوری اسلامی بخاطر سی و سه سال جنایتش در قابل زنان و مردم ایران باید به محاکمه کشیده شود. ۲۵ نوامبر روز جهانی نفی خشونت علیه زنان، مناسبت مهمی برای جهانی شدن صدای اعتراض این جنبش با خواست جامعه ای آزاد، برابر و انسانی است. این روز همچنین مناسبت مهمی برای اعلام کیفرخواست جنبش رهایی زن علیه رژیم اسلامی و آپارتاید جنسی حاکم بر ایران است. جمهوری اسلامی بخاطر سی و سه سال جنایتش علیه زنان و مردم ایران باید به محاکمه کشیده شود.*

کیفرخواست علیه یک دنیای وارونه و ضد زن



مینا احدی

از صفحه ۱

زن ستیزی و بی حرمتی به زنان است.

تبعیض علیه زنان یک مشخصه مهم دنیای امروز است. در بخش اعظم کشورهای دنیا زن رسماً و قانوناً از همان حقوق و آزادیهای محدود و محقری که مردان از آن برخوردارند محروم است. در کشورهای پیشرفته تر و مدرن تر و در جوامعی که به لطف جنبش های مدافع حقوق زنان و تعرضات سوسیالیستی کارگری تبعیض جنسی علی الظاهر از بخش اعظم قوانین حذف شده زن همچنان در متن مکانیسم اقتصاد سرمایه داری و سنت ها و باورهای مردسالارانه جاری در جامعه عملاً از جهات بسیار مورد تبعیض و ستم قرار دارد. ۲۵ نوامبر فرصتی است که علاوه بر الیت پیشرو و فعالین عرصه برابری زن جامعه در بعد وسیعتری به موقعیت زنان دقیق شود. گوشه ای از جنایات غیر قابل تصور علیه زنان در این دنیای وارونه را ببیند و حساسیت نشان بدهد. به این آمار نگاه کنید:

از هر سه زن در دنیا، یک زن مورد خشونت فیزیکی قرار میگیرد، برای ۴۷ در صد زنان اولین تجربه رابطه جنسی با خشونت و بصورت تجاوز است. بیش از ۷۰ در صد جنایت علیه زنان توسط جنس مخالف و از نزدیکان آنها دوست پسر، همسر، برادر و یا پدر انجام میگیرد. در آمریکا هر پانزده ثانیه یک زن

مورد خشونت فیزیکی از سوی همسر و یا پدر خود قرار میگیرند. طبق آمار در اسپانیا در سال ۲۰۰۰ هر روز پنج زن توسط وابستگان درجه اول کشته شده اند. در افریقای جنوبی هر روز به ۱۴۷ زن تجاوز میشود. در ایالات متحده در هر ۹۰ ثانیه به یک زن تجاوز میشود، در جنگها ۸۰ در صد آوارگان را زنان و کودکان تشکیل میدهند. در سال ۲۰۰۳ بعد از حمله

امریکا به عراق زنان و کودکان در فاصله سنی ۸ تا زنان میانسال بارها مورد تجاوز قرار گرفتند. آمار تقریبی ۴۰۰ هزار نفر است. بیش از ۱۳۵ میلیون دختر و زن در دنیا ختنه شده اند و این تازه آمار ثبت شده است نه واقعی، هر ساله دو میلیون کودک دختر با ریسک ختنه شدن مواجه هستند. علاوه بر این آمار که تصویر وحشتناکی از این دنیا میدهد، نگاه کنید به دنیایی که زن و مرد در آن به ازای کار برابر مزد برابر دریافت نمیکند، دنیایی که روند عمومی و خودبخودی سیستم در پس زدن زنان و تحمیل بی حرمتی به زنان همراه است. دنیایی که در بخش هایی از آن، با پیشروی از سوی دولتها اعلام میشود که زن نیمه مرد است و قوانین مبتنی بر شریعت این دولتها، عملاً زنان را از فعالیتهای اجتماعی حذف میکند. نگاه کنید به دنیایی که در آن زن سنگسار میشود و همین دنیا چند دهه این بربریت را نگاه کرده و در مجموع با شکیبایی با آن برخورد کرده و از کنارش رد میشود. نگاه کنید به دنیایی که در

آن روزانه هزاران زن را بدلیل اخلاقیات و فرهنگ مردسالارانه، زجرکش میکند و به قتل ناموسی دست میزند و در نهایت سازمان ملل و نهادهای بین المللی آمار میدهند و از آن رد میشوند. نگاه کنید به دنیایی که در بخش های از آن به کودکان دختر تحت نام ازدواج رسماً تجاوز میشود و زندگی و روح و روان آنها را پرپر میکنند. اگر میشد در هر ثانیه، حرفها، زخم زبانها، بی حرمتی ها، بی حقوقی ها و تحقیرها

علیه زنان را شنید و دید و ثبت کرد، همگان میدیدند که در اینجا سخن از یک فرهنگ و سیاست و اقتصاد تبعیض آمیز، گسترده و نهادینه، عمومی، جهانی و همگانی است. ویژگی آن در اینست که محدود به دولت و پلیس و بیگانه نیست، بخشا تبعیض کنندگان و متجاوزین و قاتلین، در رختخواب و در آشپزخانه و خانه هستند. آنها عزیزان ما هستند، پدر و برادر و همسر و دوست پسر و... این ویژگی تلخ موضوعی است که در مورد آن حرف میزنیم.

جنبش اسلامی و لگد مال کردن حرمت زنان با نیروی اسید و اسلحه و حجاب و سنگسار زندگی میلیونها زن در این دنیا از دوره قدرت گرفتن جنبش اسلامی و اسلام سیاسی، با فجایعی عجیب شد، که دیگر آنرا نمیتوان با کلمه خشونت توضیح داد. این کلمه در مقابل وضعیتی که اسلام در قدرت بر زنان تحمیل کرد، لوکس و تلطیف شده است.

بیش از سه دهه است که در بخشهایی از این دنیا، لمپن های اسلامی قدرت گرفته اند. به کمک دول غربی و با استفاده از قرآن و

اسلام، این جنبش زنان را تا پستی خانه ها تعقیب کرده و حتی در مورد رفتار زنان در اندرونی ها نیز قانون وضع کرده و این قوانین زن ستیز را با شلاق و اسید و اسلحه و سنگ و طناب دار بر آنها تحمیل میکنند.

بیش از سه دهه است که مثنی ریش و پشم دار و معموم و مکلاهی اسلامی و جانی، هر جا که دستشان برسد، توهین میکنند، از رسانه های خود علیه زنان لجن پراکنی میکنند، قانون شریعت را بعنوان قانون اساسی

فروستی زن امروز در کل پهنه جهان محصول اقتصاد و اخلاقیات قرون وسطی نیست، محصول نظام اقتصادی و اجتماعی و ارزش های اخلاقی جامعه امروز است.

اعلام کرده و یک آپارتاید رسمی و علنی را علیه زنان اعمال میکنند. سنگسار میکنند و دست و پا میبرند و تجاوز رسمی و قانونی و شرعی سازمان میدهند. فحشا و حرمسرای اسلامی به چهار زن برای یک مرد محدود نیست بلکه با قانون صیغه یک مرد اسلامی میتواند دهها زن را به خدمت خود درآورد. این تنها خشونت نیست بلکه تحقیر و توهین و خرد کردن شخصیت و کرامت زن و هیچ انگاشتن زن است که گویا زن نه انسان بلکه موجودی است که خدا آنها را فقط برای خدمت به مرد خلق اش کرده است. همین را با استفاده و اتکا به قانون و شریعت و سنت پیغمبر و اسلام انجام میدهند و قانونی هم شده است و جهان هم بر این جنایات رسمی و قانونی چشم بسته است. این برگشتن به دوران توحش بشر به عنوان اعتقادات مسلمانان ظاهراً باید مورد احترام هم باشد.

همین جریانات اسلامی که پرچم اشان حجاب اسلامی است و روش تحمیل سنتهای تحقیر آمیز و زن ستیزشان به جامعه و به زنان، لجن پراکنی و

سازماندهی جنایت مقدس و قتل ناموسی و سنگسار کردن است، در این دنیا به عنوان جریانات سیاسی، دولتتهای "عادی" و دارای حقوق هم پذیرفته شده اند.

اگر کسی میخواهد موقعیت زن در اسلام را درک کند، باید سری به ایران و مناطقی تحت حاکمیت جنبش کثیف اسلامی بزند. اینها نگاهشان به زن، همان "عورت" خطاب کردن و دیدن زن به عنوان یک وسیله تجاوز جنسی و سو استفاده مردان است. زن نه یک انسان برابر با مرد و نه یک

انسان با همه خصوصیات انسانی بلکه یک وسیله تملک و سو استفاده جنسی است که خدا او را برای لذت بردن مرد و آخوند خلق کرده است تا این جماعت تن پرور و مفتخور چهار نفر از این زنان را رسماً صاحب شوند و هزار زن صیغه ای داشته باشند و همه این تجاوز و بی حرمتی به زنان را کار ثواب قلمداد کرده و در آن دنیا نیز برای تجاوز به زنان اسم نویسی کنند. کمتر زنی پایش به دادگاهها و یا اندرونی های حکومتی ها در ایران رسیده بدون اینکه آخوند و ارادل و اوباش اسلامی به او نظر بد نداشته و یا در نهایت پیشنهاد صیغه نداده باشند. حتی اگر امکانش فراهم شده تجاوز نکرده باشند. در این سیستم زن منشا فساد است و برای کنترل او باید قانون و پاسدار و خواهر زینب به خیابانها فرستاد و او را با مواد غذایی تشبیه کرد که اگر مواظبش نباشی فاسد میشود و همه این بی حرمتی ها را به اسم حکومت و قانون و اسلام و مذهب و... انجام داده و همچنان این وضع ادامه دارد.

اما زنان در همه جا مبارزه میکنند. مبارزه علیه خشونت خانوادگی، مبارزه علیه تجاوز در خانه ها توسط همسران، مبارزه علیه قوانین زن ستیز و مبارزه

پژواک گسترده ۲۵ نوامبر روز جهان خشونت علیه زنان

روز ۲۵ نوامبر روز جهانی علیه خشونت علیه زنان امسال با جنب و جوش بیشتری نسبت به هر سال همراه بود. به مناسبت این روز بحث بر سر خشونت علیه زنان در ایران به موضوع بحث داغی در سطح مدیای اجتماعی و در جمع ها و محافل فعالین دفاع از حقوق زن و آزادیخواهان و برابری طلبان تبدیل شد. بسیاری در مورد این موضوع نوشتند و بر خواستههای فوری در عرصه مبارزه با تبعیض علیه زن تاکید گذاشتند. يك محور مهم بیشتر این مباحث تاکید بر هویت ضد زن رژیم آپارتاید جمهوری اسلامی و قوانین ضد زن آن بود.

به مناسبت این روز در جمع ها و محافل بسیاری در ایران بحث هایی بر سر همین موضوعات بر پا شد و میتوان گفت ۲۵ نوامبر امسال فرصتی شد برای جلو صحنه آمدن بیشتر مساله تبعیض علیه زن در میان جمع ها و محافل فعالین دفاع از آزادی و برابری و تاکیدی دوباره بر سازمانیابی جنبش آزادی زن بعنوان یکی از فاکتورهای مهم اوضاع سیاسی امروز. در زیر سه گزارش از چنین فعالیتهایی را که در ایران انجام گرفته و بدست ما رسیده است را میخوانید:

روز ۲۵ نوامبر (۵ آذر) روز مبارزه علیه خشونت بر زنان،

جمعی از فعالین حقوق زنان در یکی از شهرهای کردستان به این مناسبت گرد هم آمدند تا اعتراض خود را علیه ابعاد هولناک تبعیض و خشونت علیه زنان اعلام کنند. برنامه با يك دقیقه سکوت به یاد جانباختگان راه آزادی شروع شد. سپس تاریخچه ای از این روز داده شد و بعد بحث در مورد ابعاد خشونت در ایران و اینکه اساسا خشونت به زنان یعنی چه و در چه اشکالی صورت میگیرد و راهکارهای مبارزه علیه آن بحث شد. در این نشست آمارهایی از خشونت های ثبت شده داده شد. سپس فیلم کوتاهی در مورد خشونت های

خیابانی و نیز سنگسار دعا در کردستان عراق به نمایش گذاشته شد. تهران نیز روز ۲۵ نوامبر جمعی از فعالین زن در تهران با ارسال سه هزار اس ام اس با شعار "تبعیض جنسیتی نه، حجاب اجباری نه"، "ما خواهان جامعه ای برابر و انسانی هستیم"، "زن و مرد باید در همه شئون اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی برابر باشند"، "جدایی مذهب از دولت و آموزش و پرورش"، "نان آزادی برابری"، "۲۵ نوامبر روز جهانی علیه خشونت علیه زن، روز اعتراض علیه تبعیض و نابرابری است"، این روز را به روز اعتراض

خود تبدیل کردند. (این گزارش توسط يك دانشجوی دختر که ساکن تهران و از بینندگان کانال جدید است، ارسال شده است) به مناسبت این روز جمعی از دانشجویان در دانشگاه تهران نیز تراکتی با متن زیر پخش کردند: ۲۵ نوامبر روز اعتراض علیه خشونت علیه زن، روز آزادی و برابری برای همه جامعه ۲۵ نوامبر روز اعتراض علیه حجاب اجباری و تبعیض جنسیتی ۲۵ نوامبر روز اعتراض به نابرابری زن و مرد و خشونت دائم علیه زنان

دو عکس برگزیده در روز جهانی اعتراض به خشونت بر علیه زنان



اینجا تورنتو کانادا است. مردان با کفش زنان راهپیمایی میکنند تا به دنیا نشان دهند که مخالف خشونت بر علیه زنان هستند و این روش را برای اعلام همبستگی با مبارزات زنان برگزیده اند.



اینجا شهر سلیمانیه در کردستان عراق است. فعالین مدافع حقوق زن با این ابتکار یاد زنانی را گرامی داشتند که قربانی قتل ناموسی و یا قتل در خانواده ها، یا خودکشی و خودسوزی بودند. در اینجا میتوان اسامی و علت مرگ زنان را دید و همچنین کفش این شاخه های گلی که به یاد این زنان و پررشدگان در مرکز شهر سلیمانیه باید نگاهها را به این جنایات و این خشونت غیر قابل توصیف جلب میکرد.

معرکه گیری "ضریح چرخانی حسینی حکومت"



محمد شکوئی

بود که این ضریح قبل از انتقال به عراق در کشور چرخانده میشود. قرار است در شهرهای قم، تهران، ساوه، اراک، بروجرد، خرم آباد، اندیمشک، شوشتر، اهواز، آبادان، خرمشهر، مناطق جنگی جنوب چرخانده شده و سپس در مسیر سفر ۱۵ روزه از ایران به عراق انتقال داده شود. در همین رابطه کل دم و دستگاه حکومتی دست به کار شده، خیل ساندیس خورها، و قمه کش های حزب اللهی و سربازان گنم امام زمان در معیت هیات دولت و چندین آخوند کله گنده قم، مشغول ضریح چرخانی حکومت شده اند. مضحکه و معرکه گیری حکومت برای مدت چندین روز ادامه خواهد داشت.

جمهوری اسلامی سر کیسه را برای گسترش و تداوم جهل و خرافه مذهبی شل کرده است. فقط در این مورد و با احتساب قیمت طلای به کار گرفته در ساخت این ضریح، حکومت بیش از هزار میلیارد تومان برای آن هزینه کرده است. البته این تمام هزینه ها نیست. در تهران بیش از ۴۰۰ میلیارد تومان برای ساخت ۷۲ مسجد آماده کرده است. هزینه های دم و دستگاه جهل و خرافه مذهبی با انواع و اقسام دار و دسته ها و باندهای مذهبی، ماهانه هزاران میلیارد تومان می باشد. بودجه و منابع مالی آن هیچ موقع کمبودی نداشته و به دستور شخص خامنه ای و آخوندهای کله گنده قم هر ماه هزاران میلیارد تومان برای این "امورات حکومتی" هزینه میشود.

در کنار این هزینه های حکومت برای امامانش و بیت رهبری، میلیونها کارگر ماهها دستمزد نمی گیرند. کارفرمایان و دولت مدام "کمبود نقدینگی" را بهانه قرارداده و دستمزدهای کارگران را بالا کشیده و فقر و فلاکت و گرانی بی حد و حصر را بر گرده کارگران و مردم تحمیل کرده اند. صدها هزار کارگر را به

در اخبار حکومتی آمده بود که "ضریح امام حسین" بعد از ۴ سال کار روی ساخت آن در قم، آماده انتقال به کربلا شده است. مسئول پروژه ساخت این ضریح می گوید: این ضریح با مساحت بیش از ۲۲ متر مربع و به ارتفاع تقریباً ۴ و نیم متر با ۲۰ پنجره ساخته شده که در آن از طلا، نقره، مس، استیل و چوب ساج استفاده شده است. ۲۱۸ کیلو طلای ۲۱ عیار صرف ساخت ضریح فوق شده است. قرار است این ضریح از طرف خامنه ای در کربلای عراق به حرم امام حسین هدیه داده شود.

پیرامون اخبار مرتبط با این هدیه خامنه ای به کربلائیهها، استاندار قم دو هفته پیش به همراه مسئول پروژه ساخت آن، در یک نمایش حکومتی، ضریح را به خدمت آخوندهای کله گنده قم بردند تا بررسی نهایی بشود. در همین رابطه تعداد زیادی از مقامات حکومت و عمله و اگره رژیم به نوبت به قم رفته، تا قبل از انتقال ضریح به کربلا آن را "زیارت" کنند. دست اندرکاران ساخت این ضریح اعلام کردند که بیش از ۶۰۰ میلیارد تومان برای آن هزینه شده است. البته به غیر از ۲۰۰ کیلو طلا و فلزات قیمتی. لاریجانی در این باره گفته است که از تکنولوژی نانو در ساخت این ضریح استفاده شده است که قرار است با انتقال به کربلا "بوی حسینی و عاشورایی" بگیرد. در آخرین خبر در این مورد آمده

شیوع بیماری های مرتبط با مواد رادیو اکتیو در اصفهان!

محمد شکوئی

گزارشاتی در باره نشت مواد رادیو اکتیو بر سر زبانه است. در هر حال با استناد به این گزارشات خطر آلوده شدن برخی مناطق کشور که تاسیسات اتمی رژیم در آن قرار دارد، بالا می باشد. بی دلیل نیست که جناب عباسی در واکنش به خبر مرتبط با بیماریهای رادیو اکتیوی، آن را تائید کرده و بیشترمانه آنرا "حوادث عادی کارگاهی" می نامد.

خطر نشت مواد رادیو اکتیو با توجه به تلاش ها و تقلاهای رژیم برای بالا بردن میزان اورانیوم غنی شده اش، عدم وجود تکنولوژی مدرن و با استانداردهای جهانی در مراکز اتمی رژیم، بشدت بالا است. با پروژه اتمی رژیم و سیاست دست یابی حکومت به اورانیوم غنی شده بالای ۲۰ درصدی که رژیم به دنبال آن است، خطر بروز حوادث اتمی و نشت مواد رادیو اکتیوهر لحظه وجود دارد. در این میان جانبان اسلامی با این تلاش ها و تقلاهایشان ذره ای اهمیت به سلامت و امنیت مردم نمی دهند. هدف رژیم دستیابی به اورانیوم غنی شده بالای ۲۰ درصد می باشد که برای رسیدن به آن حاضر است جان و سلامت مردم را در راه رسیدن به اهداف اتمی اش قربانی نماید. نبود امنیت و استانداردهای لازم در تاسیسات اتمی حکومت، عدم داشتن تکنیک پیشرفته، در کنار بی ارزشی جان انسانها در جمهوری اسلامی و توحش این رژیم، هر لحظه میتواند یک فاجعه اتمی به بار بیاورد.*

سرازیر می شود. سرنگونی جمهوری اسلامی دم و دستگاه جهل و خرافه مذهبی و خادمین آن را هم جمع خواهد کرد.*

استاندارد خوزستان شیوع این بیماریها را مرتبط با "ریزگردها" که گویا نتیجه وزش بادهای بیابانی از عراق به طرف مرزهای ایران می باشد، اعلام کردند. به دنبال اوج گیری علائم بیشتر این نوع بیماریها، رژیم بررسی ریزگردها را در دستور خود گذاشت. نتیجه این تحقیقات حکومتی این شد که مقامات رژیم تائید کردند که وجود مواد و برخی ذرات پراکنده رادیو اکتیو در این مناطق، نتیجه آزمایشات مواد شیمیایی برای تهیه کیک زرد در عراق زمان حکومت صدام حسین بوده که به دنبال توقف این پروژه ها با وزش باد به مناطق مرزی ایران منتقل شده و باعث آلودگی هوا و بخشا احتمال شیوع بیماریهای گوارشی گشته اند.

همزمان با انتشار گزارشات مربوط به شیوع برخی بیماریهای مرتبط با مواد رادیو اکتیو، بازسان آژانس اتمی بطور ضمنی احتمال این موضوع را رد نکرده اند. بنابر گزارش دو ماه پیش آژانس جمهوری اسلامی در منطقه تاسیسات اتمی پارچین اصفهان آزمایشاتی انجام داده است که به دنبال انتشار تصاویر این آزمایشات، رژیم بشدت مشغول پاکسازی تاسیسات پارچین، برای رد گم کرده شده است. گزارش آژانس ضمنی تائید کرده بود که خطر پخش ذرات و مواد آلوده به رادیو اکتیو در این منطقه بالاست. لازم به یادآوری است که در تاسیسات فردو، نطنز و تاسیسات اتمی در استان قم در اطراف کویر های لوت و نمک نیز،

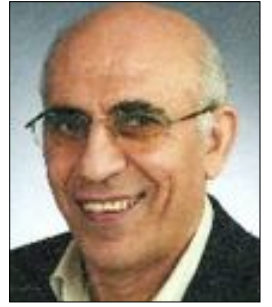
میلیاردی را برای بقای خود انجام می دهد. بخش عظیم این هزینه ها به جیب لشکر اوباش مفتخور انواع مختلف آخوند و مداح

در هفته های اخیر اخبار و گزارشاتی در مورد بیماریهای مرتبط با تشعشعات رادیو اکتیو در رسانه های ایران منتشر شده است. در همین رابطه غلامرضا معصومی رئیس مرکز اورژانس ایران در مصاحبه با مهر گفته است: "بعضی از کارکنان و همسایه های مرکز فرآوری اورانیوم اصفهان دچار بیماریهای مرتبط با مواد رادیو اکتیو شده اند: "برای کسانی که در منطقه بوده اند، مثلاً UCF اصفهان عارضه هایی پیش آمده که تحت درمان قرار گرفته اند. اما هنوز اتفاقی به خارج از محیط های خاص اتمی نداشته ایم". در واکنش به این خبر عباسی رئیس سازمان انرژی اتمی رژیم گفته است: "این اخبار صرفاً ادعا است و صحت ندارد و آن کس که در این باره اظهار نظر کرده است، باید توضیحات بیشتری ارائه کند. عباسی این اتفاقات را "حوادث عادی کارگاهی" خوانده و گفته است این موضوعات می تواند در هر کارخانه و در هر زمینه ای صورت گیرد.

این اولین باری نیست که مراکز اورژانس و برخی بیمارستانها گزارشاتی از مشاهده "بیماریهای غیرعادی" که فقط میتواند نتیجه تماس با مواد رادیو اکتیو باشد، داده اند. نزدیک به یک سال پیش هم مرکز بهداشت و دو بیمارستان در اهواز و سوسنگرد خیر از بیماریهای گوارشی در استان خوزستان داده بودند. آن زمان مقامات

بهانه "بحران مالی واحدهای تولیدی" از کار اخراج کرده اند. جمهوری اسلامی حکومت جهل و خرافه و مذهبی است و این هزینه های

مصافی دیگر علیه جمهوری اسلامی ایران و مساله پناهجویان ایران در آلمان



محمد امین کمانگر

روز ۲۸ نوامبر در ساعت ۲ بعد از ظهر میتینگی در مرکز شهر فرانکفورت برگزار شد و جنایات نظام فاشیستی اسلامی ایران در میان تعدادی از دانش آموزان دختر و پسر آلمانی که امسال دیپلم می گیرند به تصویر کشیده شد.

چند روز قبل دو نفر از معلمین شهر فرانکفورت طی تماسی با شهناز مرتب، دبیر فدراسیون پناهندگان ایرانی در آلمان، تماس گرفته و از او خواستند تا در جمع دانش آموزان در مورد جنایات جمهوری اسلامی و پناهنده شدن ایرانیان صحبت کند. قرار ملاقات برای روز ۲۸ نوامبر تعیین شد.

۴۳ نفر از دانش آموزان دختر و پسر از استانهای مختلف آلمان به فرانکفورت آمدند. یکی از مسائلی که برای این جمع مهم بود مسئله نقض حقوق مردم و مسئله پناجویی در آلمان بود. آنها می خواستند بدانند که چرا جمهوری اسلامی مخالف آزادی های سیاسی و حقوق مردم ایران است؟ چرا اینهمه زن و جوان از ایران فرار می کنند؟ و دولت های ایران و آلمان چه رابطه ای باهم دارند؟

ما در ساعت ۲ بعد از ظهر

در میان جمعی از جوانان دختر و پسر قرار گرفتیم که انسان بودن، انسانیت و حقوق انسان در جامعه انسانی امروز، ذهنشان را مشغول کرده است. اینها به خواندن روزنامه ها و گوش کردن به اخبار رسانه های حاکم اکتفا نکرده و آمده بودند تا بشنوند و بیشتر بدانند. میخواستند از زبان انسانهایی این مسئله را بشنوند که تصویری واقعی و ملموس از اوضاع مردم ایران بدهند و تصویر واقعی تری از علت فرار از ایران کسب کنند. برای اینکار آنها سراغ فدراسیون پناهندگان ایرانی و شهناز مرتب آمدند.

یکی از معلمین بلند گو را گرفت و فدراسیون پناهندگان ایرانی و شهناز مرتب به عنوان

دبیر این سازمان را که مدتهاست در این عرصه فعالیت می کند معرفی کرد و سپس در مورد اعتراضات اخیر پناهجویان و تحصن آنان در فرانکفورت توضیحات کوتاهی داد و سپس از شهناز خواست برای این محصلین مشتاق صحبت کند.

شهناز مرتب بعد از خوش آمد گویی به جوانان و معلمین آنها گفت: من از دیدن شماها بسیار خوشحال هستم و همچنین از صمیم قلب به وجود شما جوانان افتخار می کنم. افتخار به اینکه شما جوانان عزیز به مسائلی علاقه نشان داده اید که ما بیش از سی سال است در این زمینه و برای تحقق حقوق انسانی مردم داریم میجنگیم. شهناز بطور

گذرا به پرونده جنایات ۳۳ ساله حکومت اسلامی ایران از سرکوب ها و کشتارهای علنی در خیابانها و کارخانه ها و مراکز عمومی، تا تجاوز و شکنجه در زندانها اشاره کرد. بعد توضیح داد حالا شما عزیزان باید بدانید که پناهجویان ایرانی چرا از ایران فرار می کنند و در جستجوی مکان امنی برای زندگی و ادامه مبارزه علیه جانیان اسلامی ایران هستند. شما کمابیش به اخبار گوش می کنید که در اینجا هم، چگونه روزگار را در سخت ترین شرایط سپری میکنند و دولت آلمان چه بر خورده با آنها می کند، شما از تحصن سه هفته ای پناهجویان ایرانی در این شهر شنیده اید. اما رابطه دولت آلمان

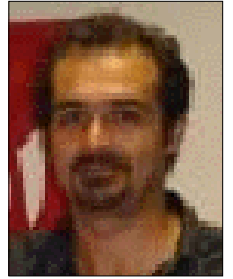
با ایران در چه سطحی است؟ آنها همیشه رابطه دوستانه ای با هم داشته اند و دولت آلمان به خاطر این روابط بر جنایات حکومت اسلامی سرپوش گذاشته است. اگر دول غربی از جمهوری اسلامی حمایت نمیکردند و بر جنایاتش سرپوش نمیگذاشتند، جمهوری اسلامی يك هفته دوام نمیآورد و توسط انقلاب مردم سرنگون میشد. صحبت شهناز مرتب در میان کف زدن جوانان به پایان رسید. و سپس نوبت به سوال و جواب رسید.*

زنده باد انسانیت، زنده باد همبستگی بین المللی
۲۸ نوامبر ۲۰۱۲



نه قومی نه مذهبی حکومت انسانی!

پیرامون دستور خامنه ای به مجلس برای توقف طرح سؤال از احمدی نژاد



هادی وقفی

خامنه ای هفته پیش در يك سخنرانی در جمع تعدادی از فرماندهان و اعضای بسیج، سخنان از پیش آماده شده ای را در مخالفت با کشاندن احمدی نژاد به مجلس بمنظور پاسخگویی به سؤالات عده ای از نمایندگان بیان کرد. او گفت: "طرح سؤال از رئیس جمهور تا اینجا کار مثبتی بود اما ادامه این کار آن چیزی است که دشمن میخواهد". خامنه ای با لحنی شیادانه و فریبکارانه از باصطلاح نمایندگان محترم خواست "همینجا قضیه را تمام کنند و بیش از این ادامه ندهند!" او اضافه کرد که "کشور به آرامش نیاز دارد. مسؤلان به آرامش نیاز دارند و مردم هم آرامش را دوست دارند!"

پس از این سخنان، مدت بسیار کمی سپری شد تا نمایندگان امضا کننده طرح سؤال از رئیس جمهور طی بیانیه ای طرح خود را - که پیشتر آنرا حق مردم و مجلس دانسته بودند - پس بگیرند. آنها در بیانیه خود اعلام کردند: "رهنمود های مقام معظم رهبری و فرامین ایشان نصب العین و فصل الخطاب برای نمایندگان بوده است. با لبیک به فرمان ایشان نمایندگان سؤال کننده مراتب انصراف خود را از ادامه طرح سؤال از رئیس جمهور اعلام می کنند!" خود لاریجانی هم

در کسوت ریاست مجلس تصمیم گرفت خوش خدمتی و گوش بفرمان بودنش را طی نامه ای به استحضار "ولی امر مسلمین" برساند. او در نامه اش می آورد: "قطعاً نظر ولی امر مسلمین که اشراف بر همه مصالح مسلمین دارند، برای جامعه اسلامی قرین سعادت بوده و اطاعت از او امر حضرتعالی فریضه و مایه افتخار اینجانب و نمایندگان مجلس می باشد!"

اعضای مجلس اسلامی خود بهتر از هر کس دیگر می دانند که نظام دیکتاتوری ولایت فقیه مخالفت را بر نمی تابد و رژیم اسلامی در سر به نیست کردن و شکنجه و کشتن حتی نزدیکترین دوستان و شرکا و محافظین همیشگی خود، حد و مرز نمی شناسد. اعضای مجلس می دانند که چطور نان را به نرخ روز بخورند و تمام تلاششان حفظ و تداوم ماشین دزدی و جنایت جمهوری اسلامی است. به همین دلیل است که ترسیده و بلافاصله عقب می نشینند. آنها دفاع و اطاعت از اوامر رهبری دزد و جنایتکار را وظیفه و فریضه خود می دانند و بخوبی می دانند دیگر هیچ چیز نظام جهل و عقب ماندگی اسلامی با خواسته ها و مطالبات مدرن و انسانی مردم، زنان و جوانان چفت و جور نیست و با این وجود، گرفتار نظامی است که خود ساخته اند. می خواهند تا دیر نشده بار خود را ببندند و برای این کار با پستی و زبونی هرچه تمام مدح و شنای خامنه ای می گویند.

ولی فقیه در موقعیتی اضطراری و بحرانی قرار گرفته و هست و نیست خود را بر باد رفته می بیند و دقیقاً به همین دلیل، هم می ترسد و هم در اوج بزدلی و

شیادی می خواهد خودی نشان دهد و باز هم خط و نشان بکشد. خامنه ای باز هم "حکم حکومتی" داد و از نمایندگان محترم "تقاضا" کرد که از کشاندن احمدی نژاد به مجلس خودداری کنند! این را همه به حساب تهدیدات رئیس جمهور می گذارند که اعلام کرد: "حضورش در مجلس را فرصتی برای بیان ناگفته ها می داند!" تهدیدی که از مدتی پیش و در بحبوحه جمع آوری امضا برای رسمیت دادن به طرح سؤال در هیئت رئیسه، واکنش "علی مطهری"، از طراحان اصلی طرح سؤال از احمدی نژاد را در پی داشت. نماینده اصولگرای مجلس گفته بود "ما می خواهیم احمدی نژاد هرچه زودتر ناگفته های خود را بگوید تا خیال همه راحت شود".

این البته نخستین بار نبود که خامنه ای در حفاظت از جایگاه متزلزل خود و برای جلوگیری از تعرض بیشتر به ولایت فقیه و خواباندن سرو صدای افتضاحات، حکم حکومتی می دهد. اما حکم حکومتی اخیر او با تمام خط و نشان کشیدن های قبلی اش در طول سالیان گذشته متفاوت بود. اینبار خامنه ای بیشتر از همیشه آبروی خود را گرو گذاشت تا مانع از حضور احمدی نژاد در مجلس و بیان "ناگفته" هایش در آنجا شود. خامنه ای اینبار ترسو تر و شیادتر و فریبکارتر از تمام موارد پیشین بود به این دلیل که نه تنها تمام مقامات ریز و درشت رژیم اسلامی می دانند که منظور احمدی نژاد از "ناگفته" ها چیست، بلکه همه مردم فهمیده اند که دعوی باند های درون رژیم از کجا آب می خورد. بوی تعفن و گندیدگی نظام اسلامی قابل پنهان کردن نیست و همه می دانند که در جدال میان درونی ترین

لایه های اصولگرایان که از طرف خامنه ای و احمدی نژاد نمایندگی می شود، احمدی نژاد به اسراری گرانبها در مقابله با ولی فقیه دست یافته است و به مدد همین اسناد است که تهدید می کند و هم آورد می طلبد.

تضاد منافع و در غارت و چپاول اموال مردم و اختلافات غیرقابل حل مقامات جمهوری اسلامی بر سر چگونگی تداوم این ساختار مذهبی خونین است که بحران های سیاسی رژیم را لاعلاج ساخته اند. بحران هایی که همواره غیرقابل حل بوده اند و با این وجود، در دوره احمدی نژاد به شکلی عمیق تر و آشکارتر ظاهر شدند. او رئیس جمهوری بود که از میان خود اصولگرایان برای حفاظت از بنای پوسیده رژیم اسلامی بیدان آمده بود ولی با این وجود، اختلافات حافظان و نگاهبانان همیشگی و راسخ رژیم اسلامی هر چه بیشتر را تعمیق یافت و حکومت را بیش از پیش به پرتگاه سقوط و اوج نفرت مردم از جمهوری اسلامی نزدیک ساخت.

مردم سالهاست حکومت اسلامی را نمی خواهند و با اینحال، متأسفانه هم بدلیل عدم انتخاب آльтرناتیوی که بتواند جایگزین رژیم اسلامی شود و مردم انتخابش کنند و هم بدلیل ترندها و سرکوب های خونین خود رژیم، در "پله آخر" سرنگونی حکومت اسلامی باقی مانده اند. کارگران، زنان، جوانان و کل مردمی که مدتهاست می دانند تمام اقدامات و اظهارات این باصطلاح مقامات و نمایندگان در مدح و شنای ولی فقیه جنایتکارشان، برای نزدیکی هرچه بیشتر به نهادهای قدرت جمهوری اسلامی و در نتیجه پاره کردن

هرچه بیشتر و بیشتر پول مردم است. مردمی که از جنبش انقلابی سال ۸۸ به این سو، هنوز مترصد فرصتی هستند که بتوانند آن ضربه نهایی را بر پیکره بیمار و فاسد جمهوری اسلامی وارد کنند و می دانند که تمام تلاش های سرکردگان و دست اندرکاران رژیم فقط برای حفظ نظام از توفان خشم و نفرت مردم است. حاکمین اسلامی و شخص ولی فقیه، با تناقضات زیادی مواجه هستند. از يك سو قادر نیستند از اختلافات عمیق خود جلوگیری کنند و آنها را بمیان مردم نکشاندند و از جانب دیگر به آرامش نیاز دارند! نگرانند و هر روز در کابوس بیخاستن دوباره مردم. از همینجا است که تمام این اختلافات نشأت می گیرند. تك تك مقامات جمهوری اسلامی می دانند که نظام عزیزشان رفتنی ست. خامنه ای برای اینها هم بحران و دردر همیشگی نظام اسلامی بوده و هم ستون فقرات و خیمه ای که با تضعیف جایگاهش نظام اسلامی بر باد می رود. حاکمین اسلامی بخوبی می دانند که مردم ایران مدتهاست "مرگ بر جمهوری اسلامی" را در خیابان ها فریاد زده اند و به همین دلیل است که این اختلافات عمیق میان مقامات سر باز کرده و نظام اسلامی را به سرنگونی محتوم نزدیک ساخته است. خامنه ای بدرستی دارد به تك تك مقامات هشدار می دهد که "اختلافات خود را بمیان مردم نکشاندند". او می داند این مردم مترصد فرصتند و به همین دلیل انتخابات هر کسی خواهد از احساسات مردم در جهت اختلافات استفاده کند، قطعاً به کشور خیانت کرده است!"*

انقلابی انسانی، برای حکومتی انسانی!

۲۴ نوامبر نمایشی قدرتمند علیه اعدام و جمهوری اسلامی



تنظیم گزارش از نشان نودینیان

از صفحه ۱

نفر از زندانیان عقیدتی دست به تجمع زدند و یا صدای مردمی که مقابل زندان تجمع کردند. صدای اعتراض شاهرخ زمانی و رضا شهابی و بهنام ابراهیم زاده، صدای اعتراض وکلای زندانی هوتن کیان و نسرین ستوده و خانواده های آنها بود که بی وقفه در حال مقاومت و اعتراض به سر میبردند. تجمعات شنبه ۲۴ نوامبر بر متن این اعتراضات صورت گرفت.

این میتینگ ها در ۱۵ شهر در اروپا، کانادا و آمریکا و استرالیا برگزار شد. شرکت کنندگان در این میتینگ ها علیه اعدام و علیه حکومت اعدام و شکنجه شعار دادند، خواهان قطع فوری اعدام ها و لغو مجازات اعدام و آزادی فوری زندانیان سیاسی شدند و سخنرانان خطاب به افکار عمومی در این کشورها از وحشت جمهوری اسلامی از مبارزات رو برشد مردم و از ضرورت همبستگی با مردم ایران برای سرنگونی حکومت پلید اسلامی صحبت کردند و از مردم خواستند به دولت ها فشار آورند که روابط سیاسی شان را با این حکومت قطع کنند.

در آکسیون میدان ترافالگار لندن، شیوا محبوبی سخنگوی کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی به فارسی و انگلیسی سخنرانی کرد. از تاثیر مبارزه علیه جمهوری اسلامی در ایران و در سطح بین المللی صحبت کرد و اینکه باید صدای ستار بهشتی و شاهرخ زمانی و نسرین ستوده و سایر زندانیان سیاسی باشیم و صدای آنها را به گوش مردم دنیا برسانیم و مردم دنیا را در همبستگی با مردم ایران به میدان بیاوریم. شیوا محبوبی همچنین ضمن دفاع از خواست های مردم ایران تاکید کرد که باید سفارت های جمهوری اسلامی در همه جا بسته شود و هیچ مزدور رژیم حق ورود به کشورهای دیگر را نداشته باشد.

تلویزیون پارس، برنامه نهاد مردمی، رادیو پیام کانادا و رادیو همبستگی استکهلم در روزهای قبل از آکسیون و صدای آمریکا در حین آکسیون با شیوا محبوبی مصاحبه کردند.

در مرکز شهر کلن مینا احدی با صحبت های پرشور خود افکار عمومی را بزبان های آلمانی و فارسی مورد خطاب قرار داد و از درد و رنج و محرومیتهای دارویی، غذایی و فشارهای روحی و جسمی زندانیان که با تماسهای تلفنی با او در میان میگذارند و از حضورش در اجلاس پارلمان اروپا در شهر اشتراسبورگ و محکومیت اعدام در ایران بویژه قتل ستار بهشتی صحبت کرد. این سخنرانی مورد استقبال گرم و حمایت دهها شرکت کننده در میتینگ و صدها نفر از مردمیکه از شهرهای آلمان و کشورهای دیگر در این محل توریستی حضور داشتند و به سخنرانی او گوش میدادند قرار گرفت. تعدادی تحت تاثیر این سخنرانی حلقه اشک چشمانشان را پر کرده بود و دسته دسته به محل میتینگ مراجعه میکردند، سوال میکردند و حمایت خود را اعلام میکردند. مینا احدی یادآوری کرد که به هر درجه فشار اعتراض در داخل ایران و فعالیتهای بین المللی و میتینگ و تظاهرات بیشتر باشد، در وضعیت زندانیان و کاهش فشار به آنها موثر خواهد بود. او در این رابطه به انتقال ده زندانی که از زندانهای سنندج به سلولهای انفرادی قزل حصار انتقال داده شده بودند اشاره و اعلام کرد که طی تماسی که با او از داخل زندانها گرفته اند هشت نفر از این زندانیان از سلول انفرادی به بندهای عمومی برگردانده شده اند. در میتینگ کلن بهرام بیگدلی از جمعیت زندانیان ایران، عبدالله صید مرادی، سهیلا خسروی، رضا عبدالهی و مهرزاد زرنگار سخنرانی کردند، اعدام ها را

محکوم کردند و خواهان آزادی فوری زندانیان سیاسی شدند.

در فرانکفورت، محمد امین کمانگر و شهناز مرتب از جمله سخنرانان میتینگ اعتراضی در مرکز شهر بودند. فعالین حزب کمونیست کارگری در این شهر در روزهای گذشته نیز فعالیت وسیعی در معرفی چهره جنایتکار جمهوری اسلامی به افکار عمومی کرده و با پوسترها و شعارهای خود توجه زیادی را به این فعالیت ها جلب کرده اند.

در برلین و برمن نیز فعالین حزب با برپائی چادر و میز اطلاع رسانی و سخنرانی، به مدت چندین ساعت علیه اعدام و در دفاع از زندانیان سیاسی و کارگران زندانی با مردم صحبت کردند.

در استکهلم، آکسیون بسیار موفقی در مرکز شهر و به فراخوان واحد استکهلم کمیته بین المللی علیه اعدام، برپا شد. کمیها پازوکی سخنگوی کمیته بین المللی علیه اعدام در این شهر، که مجری برنامه بود در مورد اعدام های گسترده در ایران و شرایط اسفناک زندانیان سیاسی صحبت کرد. آمینه کاکه باوه نماینده پارلمانی حزب چپ، ششتین لوفگر از عفو بین الملل، یوران گوستاوسون همکار کمپین برای آزادی کارگران زندانی که پیام اتحادیه ترانسپورت و همینطور پیام پشتیبانی شعبه اتحادیه نقاشان سوئد را در حمایت از این تظاهرات

به اطلاع مردم رساند، نازی پیغمبریان از طرف مادران پارک لاله، هوشیار سروش از طرف حزب کمونیست کارگری، مهین علیپور از طرف سازمان علیه تبعیض همینطور، اسد بایمانی از فعالین کمیته علیه اعدام، امین آیمان از فعالین حقوق بشر سوئد و ماتیاس ... از طرف حزب عدالت سوئد دیگر سخنرانان این میتینگ بودند که جمهوری اسلامی را بخاطر جنایاتش و زیر پا گذاشتن حقوق مردم ایران و رفتار وحشیانه با زندانیان و اعدامها محکوم کرده و خواهان آزادی فوری زندانیان

سیاسی شدند. بیش از ده رادیو در استکهلم یا شهرهای دیگر در روزهای قبل از آکسیون با کمیها پازوکی مصاحبه کردند و یا فایل صوتی او را پخش کردند و اعلام حمایت کردند و یکی از رادیوها به کمیته علیه اعدام پیوست. کمیها پازوکی همچنین در تماس تلفنی با مسئولین بخش خاور میانه حقوق بشر وزارت امور خارجه سوئد مفصلا در مورد اعدام ها و رفتار جنایتکارانه با زندانیان سیاسی صحبت کرد، اطلاعات مربوطه را برای آنها ارسال کرد و خواهان فشار سیاسی و دیپلماتیک به جمهوری اسلامی برای پایان دادن به این جنایات شد.

در گوتنبرگ سوئد، میتینگ پرشوری برگزار شد. پلاکاردهای مختلفی از کارگران زندانی و زندانیان سیاسی در دست شرکت کنندگان در این میتینگ بود. سوسن صابری دبیر واحد حزب در این شهر به سوئدی سخنرانی کرد و قطعنامه اتحادیه ترانسپورت سوئد در این زمینه را برای حاضرین قرائت کرد. چندین نفر دیگر از حاضرین در این میتینگ نیز علیه اعدام و در دفاع از زندانیان سیاسی و عقیدتی صحبت کردند و جمعیت با شعارهای زندانی سیاسی آزاد باید گردد، کارگر زندانی آزاد باید گردد و مرگ بر جمهوری اسلامی سخنرانان را همراهی کردند.

در مالمو نیز آکسیون پرشوری در یکی از مراکز شلوغ شهر برپا شد و فعالین این حرکت ساعت ها با مردم این شهر در مورد مبارزه مردم ایران علیه جمهوری اسلامی صحبت کردند و علیه اعدام و برای آزادی زندانیان سیاسی شعار دادند. رهگذران با امضای پارچه نوشته ای حمایت و همبستگی خود را با مبارزه مردم ایران نشان میدادند.

در اسلو تظاهرات با شرکت دهها نفر از مخالفین جمهوری

در همبستگی با کارگران ایران و به مناسبت روز جهانی ۲۴ نوامبر

اتحادیه سراسری کارگران ترانسپورت در سوئد خواهان متوقف شدن فوری اعدام ها در ایران و آزادی زندانیان سیاسی شد.

شاهلا دانشفر
Shahla_daneshfar
@yahoo.com

بهرام سروش
Bah-ram.Soroush@gmail.com

http://free-them-now.blogspot.com

۲۴ نوامبر ۲۰۱۲

دوستانشان است .
اتحادیه سراسری کارگران ترانسپورت در سوئد خواهان آزادی همه زندانیان عقیدتی و سیاسی در ایران و همینطور پایان یافتن فوری اعدامهای هولناکی است که در زندانهای ایران در جریان است.
"کمپین برای آزادی کارگران زندانی"

همکاران و رفقایشان را نمایندگی کرده اند بازداشت و زندانی شوند. این روشن است که ایران از سوی یک رژیم ددمنش حاکمیت میشود. این رژیم به بهانه های مختلف و به شیوه ای وحشیانه اعدام میکند و انسانها را به قتل میرساند. انسانهایی که جرم و گناه آنها مبارزه برای داشتن یک جامعه انسانی برای خود و

است :
"ما از اینکه جمهوری اسلامی با شهروندان خود بطور شرم آوری رفتار میکنند با خبر شدیم و از این بابت بشدت متاثر گردیدیم. برای ما قابل قبول نیست که رهبران اتحادیه های کارگری در ایران مثل رضا شهابی، افشین اسانلو، شاهرخ زمانی و سایر کارگران زندانی فقط بخاطر اینکه

بدنبال تلاشهای یوران گوستاوسون، همکار "کمپین برای آزادی کارگران زندانی"، مارکوس پترسون از سوی اتحادیه سراسری کارگران ترانسپورت طی نامه ای در همبستگی با کارگران ایران، خواهان متوقف شدن فوری اعدام ها در ایران و آزادی همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی از زندان شد. در بخشی از این نامه آمده

۲۴ نوامبر نمایشی قدرتمند علیه اعدام و جمهوری اسلامی

از صفحه ۱

مرادی، نامه های اعتراضی زندانیان سیاسی و خانواده های آنها و اشکال دیگری از حرکت های اعتراضی، دوره جدیدی از مبارزه مردم ایران علیه اعدام ها را نشان میدهد. در این مدت همچنین شاهد اعتراض مستمر زندانیان سیاسی از جمله شاهرخ زمانی و رضا شهابی، بهنام ابراهیم زاده و نسرین ستوده و سایر زندانیان و خانواده های آنها بوده ایم که به اشکال مختلف صدای اعتراض خود را بلند میکنند و علیه مصائبی که بر زندانیان روا داشته میشود افشاگری میکنند. تاثیر این مبارزات است که با قتل ستار بهشتی مقامات و ارگانهای حکومت نیز مجبور به افشاگری علیه یکدیگر میشوند و به جنایت خود اعتراف میکنند و به "غلط کردم" می افتند. بیش از هر زمان ضروری است که در سطح بین المللی علیه اعدام و برای آزادی زندانیان سیاسی و کارگران زندانی فعالیت های گسترده تری سازمان بدیم، میتینگ های بیشتری برگزار کنیم، افکار عمومی را در همبستگی با مردم ایران به میدان آوریم و به دولت ها فشار آوریم که روابط سیاسی دیپلماتیک خود را با جمهوری اسلامی تماما قطع کنند.*

المللی اتحادیه ترانسپورت، آی تی اف نیز یک دستور خود را بررسی وضعیت کارگران در ایران قرار داده بود و طی قراری جمهوری اسلامی را به خاطر پایمال کردن حقوق کارگران بشدت محکوم کرد و خواهان آزادی فوری رضا شهابی کارگر زندانی گردید و اعلام کرد که مصمم است تا دستیابی کارگران ایران به حقوق پایه ای شان، به فعالیت خود علیه جمهوری اسلامی و در دفاع از کارگران ایران ادامه دهد. در استرالیا نیز با تلاش ارسلان ناظری شرکت کنندگان در کنفرانس لیبر استارت قطعنامه ای را علیه اعدام ها و در دفاع از حقوق کارگران و زندانیان سیاسی امضا کردند.

در هفته های گذشته، تلویزیون کانال جدید نیز چندین برنامه پخش مستقیم خود را به اعدامها و برگزاری این آکسیون ها اختصاص داد که با استقبال وسیع بینندگان مواجه شد.
بعنوان یک جمع بندی؛ جنبش علیه اعدام اکنون از هر دوره ای بیشتر دارای پتانسیل و قدرت اعتراض است. تجمعات متعددی که تنها در یک ماه گذشته در ایران در مقابل زندان ها و مقابل بیت رهبری برگزار شد، جمع آوری طومار اعتراضی در مورد زانیار و لقمان

سپتامبر در مقابل پارلمان استان نیوساوت ولز میز اطلاع رسانی برپا کردند و با پوستره های متعددی که بیانگر توحش حکومت اسلامی علیه مردم بود و با شعارهای زندانی سیاسی و کارگر زندانی را آزاد کنید، اعدام ها را پایان دهید و مرگ بر جمهوری اسلامی، چندین ساعت با مردم این شهر بحث و گفتگو کردند.
در واشنگتن نیز به فراخوان میشن فری ایران آکسیونی برپا شد و با پوسترهایی علیه اعدام و مرگ بر جمهوری اسلامی اطلاعیه هایی را میان مردم توزیع کردند و با عابرین درمورد حکومت کثیف اسلامی صحبت کردند.

در هفته های گذشته همچنین با تلاش فعالین کمپین برای آزادی کارگران زندانی، اتحادیه سراسری ترانسپورت در کشور سوئد، "جنبش اشغال" ادمونتون کانادا، شورای اتحادیه های کارگری ونکور، کمیته خدمات عمومی در عراق و اتحادیه کارگران صنعتی جهان شاخه ادمونتون، سرکوبها را محکوم و خواهان آزادی شاهرخ زمانی، کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی شدند. فدراسیون بین

فعالین حقوق بشر، سهیلا از طرف سکولارهای تورنتو، فروغ ارغوان از طرف کمیته برای آزادی زندانیان سیاسی، محمد کاظمی از طرف کمپین برای آزادی کارگران، نسرین بشارت سخنگوی کمیته بین المللی علیه اعدام در تورنتو، بروس فعال سیاسی و از مخالفین جمهوری اسلامی ویدی محمودی از حزب کمونیست کارگری ایران سخنرانی کردند و بر ضرورت گسترش مبارزه علیه حکومت اسلامی تاکید کردند. مجری آکسیون امیر زاهدی، در انتهای برنامه با صدای دلنشین خود آهنگی را تقدیم حضار کردند. در ونکور در اولین برنامه پاتوق این شهر، فهمیه صادقی صحبت کوتاهی کرد و فیلم "شهر زیبا" به نمایش درآمد. این فیلم در ارتباط با اعدام و مخالفت مردم عادی با اعدام ساخته شده است. بعد از آن مباحث گرمی بین حضار در گرفت و به گسترده گی جنبش علیه اعدام و اینکه جامعه ایران علیه اعدام است اشاره شد.

در سیدنی فعالین حزب کمونیست کارگری همراه با تعدادی از فعالین حزب سوسیالیست این کشور در روز پنجشنبه ۲۹

اسلامی در جلو پارلمان نروژ برگزار شد. در محل تظاهرات پوسترهایی از زندانیان سیاسی، کارگران زندانی و محکومین به اعدام، و پلاکاردهایی علیه اعدام به نمایش گذاشته شده بود. در این تظاهرات سرور کاردار هماهنگ کننده کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و هادی رحیمی از فعالین کمپین آزادی کارگران زندانی به زبانهای نروژی و فارسی در افشا و محکومیت جمهوری اسلامی و عمل شنیع اعدام و در حمایت از زندانیان سیاسی سخنرانی کردند و بر ضرورت قطع روابط سیاسی، دیپلماتیک دولت نروژ با رژیم اسلامی تاکید کردند.

در تورنتو دهها نفر از آزادیخواهان مقیم این شهر در هوای بسیار سرد جمع شدند تا اعلام کنند که صدای اعتراض مردم ایران را به افکار عمومی این کشور خواهند رساند. در این آکسیون مهوش علاسوندی مادر محمد و عبدالله فتاحی و از طرف نهاد مادران علیه اعدام، بیژن فتاحی پدر محمد و عبدالله فتاحی، سیما دینی از طرف

international political isolation of the regime in Iran and its boycott at the International Labour Organisation (ILO) and all world bodies.

Union/Organisation:

Date:



and political prisoners in Iran;

We condemn the Islamic regime of Iran for its persecution of worker activists and political dissidents;

We support the struggle of the workers and people of Iran for freedom, the right to organise and strike, and for welfare, equality, justice and a life of dignity;

We call for the

حاضرین در کنفرانس لیبراستارت در سیدنی استرالیا قطعنامه حمایت از کارگران زندانی را امضا کردند

جهانی شده بود. متن این قطعنامه ضمیمه است.

میز اطلاعاتی "کمپین برای آزادی کارگران زندانی" در این کنفرانس به محل بحث های داغی در مورد اوضاع سیاسی ایران تبدیل شده بود و ارسال ناظری در گفتگو با شرکت کنندگان در کنفرانس آنها را در جریان فضای سیاسی امروز ایران و تلاشهای رژیم برای عقب راندن مبارزات مردم با توسل به ابزار اعدام و سرکوب و اهمیت همبستگی جهانی در حمایت از کارگران و مردم ایران قرار میداد.

همچنین از میکروفون کنفرانس اطلاعیه مربوط به فراخوان مشترک کمیته بین المللی علیه اعدام و آلترناتیو سوسیالیستی از سازمانهای چپ در استرالیا برای ۲۹ نوامبر علیه اعدام ها و سرکوبگریهای رژیم اسلامی به اطلاع شرکت کنندگان رسید.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی
شهلا دانشفر
Shahla_daneshfar@yahoo.com

بهرام سروش
Bahram.Soroush@gmail.com
http://free-them-now.blogspot.com

۲۷ نوامبر ۲۰۱۲

متن قطعنامه "کمپین برای آزادی کارگران زندانی"

Resolution in solidarity with jailed trade unionists and political prisoners in Iran

We express our solidarity with Iranian workers and call for the immediate and unconditional release of all jailed trade unionists

کنندگان در کنفرانس روبرو شد و شرکت کنندگان در کنفرانس با رفتن به پای آن قطعنامه "کمپین برای آزادی کارگران زندان" را امضا میکردند. این قطعنامه در حمایت از کارگران زندانی و زندانیان سیاسی در ایران بود. در آن بر حق داشتن تشکل و اعتصاب، بعنوان حقوق پایه ای کارگران تاکید شده و از مبارزات حق طلبانه کارگران و مردم ایران برای داشتن یک زندگی انسانی اعلام حمایت شده بود. این قطعنامه خواستار آزادی فوری همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی، متوقف شدن فشار بر روی فعالین کارگری و رهبران کارگری در ایران و انزوی سیاسی رژیم اسلامی در سطح جهان و بایکوت آن در سازمان جهانی کار و دیگر مراجع

روزهای ۲۶ و ۲۷ نوامبر سومین کنفرانس همبستگی لیبراستارت در شهر سیدنی استرالیا برگزار شد. این کنفرانس توسط رییس اتحادیه های سراسری کشور استرالیا افتتاح شد و سپس گروههای کاری مختلف در آن بر روی مسایل کارگری در کشورهای گوناگون جهان به بحث و گفتگو نشستند. ارسال ناظری از همکاران "کمپین برای آزادی کارگران زندانی" در این کنفرانس شرکت داشت. او با گذاشتن میزی اطلاعاتی و پخش اطلاعیه های خبری این کمپین و پوسترهایی از کارگران زندانی توانست صدای اعتراض شاهرخ زمانی و کارگران زندانی باشد. این میز اطلاعاتی با استقبال خوبی از جانب شرکت



کیفرخواست علیه یک دنیای وارونه و ضد زن

زنان و علیه سیستم سرمایه داری که منشا و عامل بقا زن ستیزی است درود میفرستیم و خود را جزئی از این گردان عظیم مبارزه میدانیم. بویژه در چند سال اخیر ما زنان در مصر و تونس و لیبی و افغانستان و عراق و ایران... درگیر یک مبارزه مهم اجتماعی بر علیه حکومتهای دیکتاتور، زن ستیز و ضد انسان بودیم ما در این مبارزات برای برابری و حرمت انسانی زنان تلاش کردیم.

زنده باد جنبش اعتراضی زنان بویژه امروز در کشورهایی که دیکتاتورها را سرنگون کرده و در ابعادی اجتماعی مشغول دست و پنجه نرم کردن با اسلامیها هستند. در این مبارزه زنان ایران با کوله باری از تجربه، در صف اول مبارزه ایستاده اند.

هر جا که مذهب و اسلام و جنبش اسلامی پا بگذارند زنان همه حقوق انسانی خود را از دست میدهند. سالانند پوزه جنبش اسلامی به خاک در ایران راه را برای یک دوره تعرض و افشاکری و کار آگاهگرانه در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا باز خواهد کرد که زنان و مردم آزاده یکبار برای همیشه تکلیف حکومتهای اسلامی و همچنین دخالت اسلام و مذهب را در زندگی خود را روشن کنند.*

از صفحه ۵

علیه دولتهایی که با جنایت علیه زنان زائیده شده اند، مبارزه ای جهانی در ابعادی گسترده از سوی زنان و مردان مخالف این سیستم و این فرهنگ مدام در جریان است. ۲۵ نوامبر در عین حال روزی است که میتوان به این مبارزات نظر افکند و نقاط ضعف و قدرت آنها دید.

از نظر من، اگر مدالی برای این مبارزات در نظر گرفته شود، در وهله اول به زنانی تعلق دارد که زیر چکمه اسلام سیاسی و جنبش اسلامی، در حالیکه خطر سنگسار شدن و یا قتل توسط تروریستهای ضد زن اسلامی آنها را تهدید میکرد، کوتاه نیامده و جنگیدند. زنانی که با وقیح ترین اراذل و اوباش اسلامی و خدایان ضد زن روی زمین جنگیدند. زنانی که در این مبارزه هم علیه زن ستیزی و علیه بی حقوقی زنان و هم در دفاع از برابری مطلق بین زن مرد مبارزه کرده و "نه بزرگی به فرهنگ و اخلاقیات اسلامی، به اسلام در قدرت و به مذهب اسلام تقدیم کردند.

ما زنان معترض در کشورهای اسلام زده، به مبارزات زنان در سراسر جهان علیه این تبعیض شرم آور، علیه آزار و اذیت

گزارش تصویری از ۲۴ نوامبر روز جهانی علیه اعدام و آزادی زندانی سیاسی



آملق - شهر کن



سوخد - استکهولم



آمریکا - واشنگتن



آملق - شهر برین



سوخد - مانترو



آمریکا - نیویارک



آملق - شهر کن



آمریکا - واشنگتن



کانادا - تورنتو



سوخد - کوبنهام



آملق - شهر کن



کانادا - تورنتو

زنده باد سوسیالیسم!

چهارشنبه ۱۲ دسامبر، روز تصویب قانون ختنه کودکان در پارلمان آلمان

ائتلاف علیه ختنه کودکان فراخوان میتینگ اعتراضی میدهد!

مباحثات و جدل اجتماعی بزرگی که در کشور آلمان در مورد ممنوعیت ختنه کودکان پسر در جریان است یک جدال بزرگ با دخالت مذهب و در این مورد اسلام و یهودیت در زندگی مردم است. این مبارزه، در دفاع از حقوق کودکان، در اعتراض به تعرض بیرحمانه به تن کودکان و در عین حال در اعتراض به همکاری دولت آلمان با این نهادهای مذهبی و با جنبش اسلامی است که از این نظر هم باید مورد توجه همه ایرانیان قرار بگیرد.

پارلمان آلمان که از همان اولین روز غیر قانونی اعلام کردن ختنه توسط یک دادگاه در شهر کلن آلمان، تحت فشار اعتراض سازمانهای اسلامی و یهودی و بویژه اعلام اینکه این ممنوعیت با هولوکاست برابر قلمداد شد، فوراً عقب نشینی کرد و قصد داشت با قانونی کردن ختنه از طریق پارلمان، و در یک اقدام بسیار شتابزده، چند روز بعد از حکم دادگاه کلن، به این مباحثات نقطه پایان بگذارد. اما در این مورد جامعه آلمان با حساسیت و در عین حال فعالیت گسترده ای عکس العمل نشان داد.

سازمانهای مدافع حقوق کودک، پزشکان، روانپزشکان، حقوقدانان و نهادهای مخالف مذهب به حرکت در آمده و یک زورآزمایی بزرگ در آلمان شروع شد. زیر فشار افکار عمومی و اعتراضات گسترده، که متأسفانه چندان با عکس العمل ایرانیان ساکن آلمان مواجه نشده، تا امروز موفق به تصویب قانون نشده است.

قرار بود روز پنجشنبه ۲۹

ماه نوامبر ۲۰۱۲ این جلسه در پارلمان برگزار شود که باز هم بدلیل اعتراضاتی که تا سطح نمایندگان پارلمان رفته، تصمیم گیری را به ۱۲ دسامبر موکول کند.

در فاصله دو ماه گذشته، جبهه ها در مورد قانونی بودن و یا ممنوعیت ختنه کودکان در آلمان مشخص تر شده و دو جبهه در مقابل هم صف کشیده اند. در این مدت اتفاقات زیادی افتاده و مباحثات، جدلها و یک جنبش اعتراضی به ختنه کودکان پسر در اعماق جامعه در جریان داشته و یکی از بروزات و تاثیرات این جدل اینست که در داخل پارلمان و در بین نمایندگانی که در روزهای اول به راه افتادن سونامی بحث، خواهان ممنوعیت ختنه بودند، شکاف افتاده است. اکنون دولت با دو پیش نویس روبرو است و این تصمیم گیری را برای آنها مشکل کرده است.

ما ائتلاف بزرگ معترض به ختنه کودکان قرار بود روز پنج شنبه در مقابل پارلمان کنفرانس مطبوعاتی و یک میتینگ اعتراضی داشته باشیم که چند نماینده پارلمان و منتقدین به ختنه از نهاد پزشکان و نهاد مدافع حقوق کودکان و از جمله خود من یکی از سخنرانان این میتینگ هستم، برنامه ما هم به روز ۱۲ دسامبر موکول شد.

تا کنون ۵۳ نماینده پارلمان اعلام کرده اند که از یک پیش نویس آلترناتیو دفاع میکنند و در حزب سوسیال دمکرات یک فراکسیون لائیک اعلام کرده که علیه ختنه کودکان است و همچنین در سطح حزب چپ و حزب سبز آلمان نمایندگانی گفته اند به قانون پیشنهادی از سوی احزاب در قدرت رای نخواهند داد.

اکنون پارلمان آلمان دو پیشنهاد از طرف نمایندگان پارلمان را پیش روی خود دارد. یکی از این پیش نویس قانونی میگوید که ختنه کودکان پسر به شرط اینکه مقررات و "هنر پزشکی" را رعایت کند و "بطور موثر با درد" مقابله کند، در آلمان قانونی میشود. در مقابل این پیش نویس اکنون ۵۳ نماینده پارلمان از احزاب سوسیال دمکرات و سبز و چپ یک پیش نویس آلترناتیو به مجلس ارائه داده اند. این پیش نویس هم با ختنه کودکان موافق است اما خواهان ختنه شدن کودکان از سن ۱۴ سالگی و بشرط اعلام آمادگی و پذیرش خود کودک است. اینها میگویند از این طریق به کنوانسیون حقوق کودک و حقوق پایه ای کودکان وفادار میمانند.

سازمانهای اسلامی و یهودی در این مباحثات کفش وکلاه کرده و هر آنچه در درونشان است، را بیرون میریزند. مخالفت آشکار با حقوق کودکان و ربط دادن موضوع به "جنگ تمدنها" و مظلوم نمایی همیشگی اسلامیهها و تعرض و حق بجانبی سازمانهای یهودی روزانه از رسانه ها منعکس میشود.

ایمان مازنیاک مسئول شورای مسلمانان آلمان میگوید دادگاه کلن که ختنه را غیر قانونی اعلام کرد غیر مستقیم از یک جنگ بین فرهنگها دفاع میکند و استفان کرامر مسئول شورای یهودیان میگوید که منتقدین ختنه میگویند کودکان حق دارند در مورد بدن خود تصمیم بگیرند و اینکه کسی حق تعرض به بدن و جسم کودک را ندارد، گویی با ختنه کودکان به جسم کودک تعرض میشود. در حالیکه با ختنه کودکان آنها را وارد یک گروه مذهبی و یک جمع میکنیم و این اهمیت درجه

اول دارد.

او میگوید کودکان پسر در همان هفته اول زندگیشان یعنی تا هشت روزگی باید ختنه شوند در غیر اینصورت تعلق اینها به جامعه یهودی از بین میرود.

سازمانهای مدافع حقوق کودک بسیار در این مباحثات فعال بوده اند نامه سرگشاده، جمع آوری امضا و حضور در پارلمان برای بررسی این موضوع، همه و همه با اتکا به فاکتهایی که دیگر کسی نمیتواند آنها را انکار کند، یک حرکت درخشان مدافعین حقوق کودک بوده است. نامه سرگشاده دو پزشک سرشناس آلمانی در مورد اثرات مخرب این عمل جراحی و همچنین ارائه آمار کودکانی که در آلمان و در بیمارستانها بعد از عمل جراحی ختنه دچار خونریزی و یا مرگ شده اند یک شوک بزرگ برای افکار عمومی بود.

۲۶ نوامبر، دولت در پارلمان جلسه ای با حضور متخصصین تشکیل داد و نمایندگان پارلمان به حرفهای این نهادها و افراد گوش دادند.

یکی از ائتلاف ها علیه ختنه کودکان، از طرف سازمان آنتیست و معروف آلمانی سازمان جردانو برونو است که با چندین سازمان منتقد مذهب و همچنین شورای مرکزی اکس مسلم در آلمان این کمپین را به پیش میبرد. پنج شنبه این هفته ۶ ماه دسامبر ساعت هفت بعد از ظهر در دانشگاه کلن یک پانل بزرگ با حضور صاحب نظران و همچنین میثالیل اشمیت سالمون سخنگوی ائتلاف علیه ختنه برگزار میشود که بویژه ایرانیان را به این جلسه دعوت میکنم.

خبر این اعتراضات در سطح بین المللی با استقبال زیادی روبرو شده و در حقیقت آلمان در گیر یک

مبارزه با ختنه کودکان است که بسیاری در کشورهای دیگر به نتیجه آن چشم دوخته و آنرا فقط برای کشور آلمان مهم تلقی نمیکنند بلکه از تاثیرات بین المللی این مبارزه حرف میزنند.

در همین چند ماه در کشورهای امریکا و اسرائیل و اطریش و سوئیس و ... اخباری مبنی بر اعتراض به ختنه کودکان پسر در رسانه ها مطرح میشود. در ادامه این انعکاس جهانی، یک فیلمساز یهودی اخیراً با این ائتلاف در آلمان تماس گرفت و خواهان نمایش فیلم خود به اسم "او یک پسر است" در آلمان شد. فیلمی مستند از ختنه کودکان از خانواده های یهودی و مسلمان و در عین حال نگاهی انتقادی به پشت صحنه ها، به دردها و آلام و از دست رفتن کودکان و در عین حال فشار جمع و اطرفیان به والدین کودکان برای انجام عمل ختنه. در این فیلم از جا افتادن یک نگرش در مورد اینکه ختنه کودکان پسر با ختنه دختران فرق دارد و بهداشتی است و به نفع کودک است، حرف میزنند و همزمان تاثیرات مخرب آنرا بر روی کودکان پسر بررسی میکنند.

از طرف ائتلاف علیه ختنه کودکان، سازمان جردانو برونو برای ۶۰۰ نماینده پارلمان نامه ای فرستاد و بطور فردی از آنها دعوت کرد که در یک سایت اینترنتی ویژه این فیلم را نگاه کنند. فیلمی از ویکتور شونفلد که اخیراً از طرف ائتلاف ما در برلین هم نمایش داده شد.

شونفلد یک همکار دیگر او در روزنامه تاتس یک نامه سرگشاده به نمایندگان پارلمان آلمان نوشته و گفته اند دقت کنید

انتلاف علیه ختنه کودکان فراخوان میتینگ اعتراضی میدهد!

از صفحه ۱۴

که تصمیم شما در مورد ختنه تاثیرات مهمی دارد و توجه کنید بعد از دیدن این فیلم میتوانید به دقت ببینید که خانواده ها زیر فشار فرهنگ و اخلاقیات مذهبی و فشار اطرافیان هستند. این خانواده ها به تصمیم درست احتیاج دارند که به آنها کمک کند از کودکان خود مراقبت کنند.

فیلم با خنده های يك كودك شیرخواره و با حرفهای والدین شروع میشود که میگویند ما يك شرایط خوب برای كودكمان فراهم میکنیم و با انجام يك سنت دیرینه به كودكمان میگویم به جمع ما خوش آمدی، فیلم به تدریج نشان میدهد که كودكان در چه شرایطی ختنه میشوند، این خانواده ها چه درد و رنج و یا مرارتی را در این موارد تحمل میکنند بعضا بچه را از دست میدهند. در این فیلم با والدین یهودی و یا مسلمان حرف میزند که آنها میگویند كودكان ما در انجام عمل ختنه رنج زیادی نمیکنند و مشکلی نداشته اند و در همان صحنه بچه ای را دارند ختنه میکنند و ضجه های این بچه همه را به گریه می اندازد. فیلم نشان میدهد که برخی از خانواده ها فرزند خود را چند روز بعد از ختنه از دست میدهند و د رموارد زیادی حتی شکایت هم نمیکنند و در مورد این مرگ و یا قتل سکوت میکنند. در پاسخ به سول اینکه چرا چنین میکنند يك مادر میگوید ما نمیخواهیم از گروه خودمان جدا شویم.

در فیلم جراحان آموزش ندیده و "دلاکان" را نشان میدهد که میگویند در جریان تجربه این کار را یاد گرفته و با يك قیچی و روغن زیتون و کمی الکل این عمل را

انجام میدهند.

قربانیان ختنه کودکان پسر و صبر و شکیبایی جامعه

ختنه کودکان پسر یکی از پذیرفته شده ترین تعرضات به جسم كودكان است. این پدیده که فقط با مذهب توجیه میشود، يك تعرض خشن به جسم كودكان است و تاثیرات جسمی و روحی و روانی شدیدی دارد که در مجموع با پذیرش جامعه روبرو شده است.

در بسیاری از کشورها و از جمله امریکا كودكان در ابعادی وسیع ختنه میشوند و این تعرض همیشه با گفتن اینکه "به نفع كودك است" توجیه میشود. در کشورهای اسلام زده نیز نسل جوان و مدرن، كودكان خود را ختنه میکنند با همین توجیهات که برای جلوگیری از عفونت و ... به نفع كودكان است.

هر خانواده ای که میخواهد بداند ختنه چه مضرات روحی و جسمی دارد به مباحثات و اسنادی مراجعه کند که اخیرا پزشکان آلمانی در نهایت بی طرفی و حرفه ای بودن آنرا تهیه و در اختیار پارلمان قرار داده اند.

سکوت در مورد مرگ کودکان بر اثر ختنه را باید شکست.

همزمان با این مباحثات در همین چند ماه اخیر اخباری مبنی بر مرگ كودكان و یا دادگاههای رسیدگی به شکایت والدینی که فرزندان خود را از دست داده اند در رسانه های آلمانی منعکس میشود. همین هفته گذشته در نیویورک كودك دو ساله ای بعد از ختنه و خونریزی ناشی از آن متاسفانه فوت کرد. عمومی این كودك در مصاحبه با رسانه ها گفت که او را بیهوش کرده و عمل کرده اند. بعد از بهوش آمدن گفت که گرسنه است و کمی غذا خورد و آب خواست و سپس

شروع کرد به گریه ظاهرا بدلیل درد شدید، چهار ساعت بعد در بخش مراقبت ویژه بیمارستان فوت کرد به آنها گفته شده بدون دلیل مرده ولی اینها میگویند بعد از عمل ختنه در حقیقت او را کشتند.

همین هفته دادگاهی در مورد مرگ يك كودك چهار ساله که در ۲۰۰۳ بعد از عمل ختنه فوت کرده در امریکا در جریان است.

من در يك روزنامه ایران هفته گذشته خبر مرگ يك كودك بعد از عمل ختنه در مشهد را خواندم که طبعا در ایران در این موارد دادگاهی تشکیل نمیشود.

در همان روزی که پارلمان آلمان در نشست خود از بی ضرر بودن ختنه كودكان حرف میزد، در انگلستان يك دادگاه شروع شد که در آن گفته میشود يك پسر بچه چهار هفته بعد از ختنه خونریزی کرده و میمیرد. کسی که او را ختنه کرده در دادگاه متهم به قتل عمد میشود. این كودك يكروز بعد از ختنه خونریزی میکند. ختنه توسط يك پرستار بدون بیحسی موضعی انجام شده بود. این پرستار ۶۶ ساله در نهایت از يك قیچی يك گازانبر و روغن زیتون استفاده کرده و این كودك را ختنه کرده است هم این خانواده و هم پرستار مزبور از نیجریه بودند. گاردین گزارش داده که این پرستار ۱۰۰ پاوند گرفته و این عمل را در خانه انجام داده بود. در آپریل ۲۰۱۰ بی بی سی گزارش داده که در بیمارستان كودكان رویال منچستر ماهیانه سه كودك به اینجا میاورند که بعد از ختنه در منازل به خونریزی شدید دچار میشوند

پزشکان در آلمان میگویند که همکاران آنها در دنیا نباید به عمل ختنه دست بزنند. این يك عمل غیر قانونی و تعرض بی دلیل به جسم

كودكان است. این فراخوان فعلا در سطح علمی و با اتکا به تجارب است، اما خواست این پزشکان ممنوعیت ختنه در همه جای دنیا است. نامه سرگشاده يك پزشك معروف آلمانی از يك تبعیض وارونه در مورد كودكان پسر حرف میزند که ختنه آنها را در افکار عمومی علمی و مفید معرفی میکنند و همزمان بشدت علیه ختنه كودكان دختر هستند در حالیکه در هر دو مورد باید علیه ختنه بود.

شکایات از ختنه کودکان در اطریش راه اقتاده است!

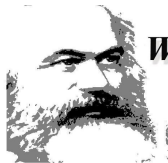
در اطریش اولین بار علیه دو فرد مذهبی که ختنه میکنند، شکایتی تسلیم دادگاه شده است. يك فرد مذهبی یهودی، کسی که به گفته خودش تا کنون در وین و اطریش بیش از ۱۰۰۰ كودك را ختنه کرده است، اکنون باید در دادگاه حاضر شده و پاسخ قضاوت را بدهد چرا که علیه او شکایتی تسلیم دادگاه شده است. شکایت دوم علیه يك پزشك است که در وین مرکز ختنه دایر کرده و كودكان از خانواده های مسلمان را در آنجا ختنه میکند. این پزشك در صفحه اینترنتی خود با افتخار عکس كودكانی را گذاشته است که آنها را ختنه کرده است. از او هم شکایت شده و این دو شکایت در رسانه های اطریشی انعکاس گسترده ای داشته و دادگاه این دو نفر به يك موضوع جدی در اطریش تبدیل خواهد شد. همزمان جاهدید

کایا يك پسر اطریشی که والدین او از ترکیه هستند، شکایتی تسلیم دادگاه کرده بدلیل اینکه او را د ر كودکی ختنه کرده و در مورد مضرات این عمل به والدین او از سوی بیمارستان حرفی زده نشده و او از مضرات این عمل هنوز هم رنج میبرد.

من در این گزارش به افکار عمومی فارسی زبان میخواهم تاکید کنم که این جدل مستقیما به همه ما مربوط است. در رسانه های فارسی زبان این اعتراضات و جنگ و جدل اجتماعی با بی مهری و بی لطفی روبرو شده و کمتر کسی در این مورد حرف میزند. در حالیکه این جدل در دفاع از حقوق كودكان و محکومیت تعرض به جسم و روح كودكان و در عین حال يك جدل با جنبش اسلامی و اسلام است و باید مورد توجه اپوزیسیون جمهوری اسلامی ایران، مدافعین حقوق كودك و مخالفین و منتقدین مذهب و اسلام قرار بگیرد.

کلن - مینا احدی
۳۰ نوامبر ۲۰۱۲

Mina Ahadi
International
Committee against
Execution
International
Committee against
Stoning
minnaahadi@gmail.com
Tel: 0049 (0)
1775692413
http://
notonemoreexecution.o
rg
http://
stopstonningnow.com/
wpress/



**WE STILL NEED MARX
TO CHANGE THE WORLD**

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran
www.wpiiran.org

... دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم و بدون "خطر" سوسیالیسم به چه منجلابی بدل میشود!

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!

اعتراضات همیشه موثر هستند!

کمیته بین المللی علیه
اعدام اطلاعاتی شماره ۱۲

**هشت نفر از زندانیان محکوم
به اعدام در زندان قزل
حصار از انفرادی خارج شده
و به بخش عمومی انتقال
یافتند.**

**روز سه شنبه هفته گذشته
حکومت اسلامی ایران ده نفر
زندانی متهم سفی را از
رجایی شهر به قزل حصار
انتقال داد و خطر اجرای
حکم اعدام برای این ده نفر
جدی بود. خانواده های آنها
در مقابل مرکز خبری وزارت
اطلاعات و استانداری تجمع
کردند.**

خانواده های این محکومین
به اعدام سه روز در مقابل مراکز
حکومتی در سنج جمع کردند
و اعتراضات در سطح بین المللی
نتیجه داد و فعلا هشت نفر از آنها
به بخش عمومی منتقل شده اند.
طبق خبری که به کمیته بین
المللی علیه اعدام رسیده محمد
ظاهر بهمنی و حامد احمدی از
جمع ده نفر هنوز در سلول انفرادی
هستند و خانواده های این دو نفر
در کرج بعد از ملاقات با این دو
گفته اند که این دو جوان که گفته
میشود ۱۷ و ۱۸ ساله هستند در
شرایط وخیم روحی و جسمی
هستند و خانواده ها خواهان
انتقال آنها از انفرادی و رسیدگی
به وضعیت جسمی آنها هستند.
امروز شنبه ۲۴ نوامبر است

و در شهرهای مختلف دنیا
اعتراضاتی علیه اعدامهای
گسترده در ایران در اعتراض به
شکنجه و آزار و اذیت زندانیان
سیاسی و بر علیه قتل ستار
بهشتی و همچنین در دفاع از
آزادی زندانیان سیاسی و کارگران
زندانی قرار است برپا شود. به
همه سازمان دهندگان و شرکت
کنندگان در این حرکتها
اعتراضی و به همه کسانی که
سالهای سال است که علیه
اعدامها در ایران اعتراض
میکنند، درود میفرستیم و
میگوییم که اعتراضات همواره
نتیجه داده است.
در روز پنجشنبه اتحادیه
اروپا تحت فشار افکار عمومی
بیانیه شدیدالحنی علیه حکومت

اسلامی صادر کرد و اعدامها را
محکوم کرد و خواهان آزادی
زندانیان سیاسی شد و همچنین
خواهان روشن شدن موضوع قتل
ستار بهشتی شد. اتحادیه اروپا از
جمهوری اسلامی ایران خواست که
مانعی برای سفر نسرین ستوده و
جعفر پناهی به استراسبورگ برای
دریافت جایزه ساخاروف که در روز
۱۳ دسامبر است، ایجاد نکند.
همچنین در هفته گذشته در
آلمان نیکی کریمی جایزه ای
دریافت کرد بدلیل ساختن فیلم
سوت پایان که اساسا به موضوع
اعدام یک زن و مبارزه بر علیه آن
میپردازد. فیلمی که همه را یاد
فاطمه حقیقت پژوه میاندازد زنی
که اتفاقا در سال ۲۰۰۸ در نیمه
شب ۲۴ نوامبر یعنی همین
امروز اعدام شد.

همه اینها نشان میدهد که
اعتراضات به اعدامها در ایران

توجه های زیادی را بخود جلب
کرده و این مبارزه مهم علیه
حکومت اسلامی ایران همواره
موثر بوده و یک جنبه مهم بارزه
علیه حکومت اسلامی ایران و در
دفاع از حقوق و حرمت انسانی
بوده است. این مبارزات باید با
قدرت بیشتری به پیش برده شود.
یکبار دیگر به همه افراد و
سازمانهایی که علیه اعدام
افشاگری و مبارزه کرده اند درود
میفرستیم و میگوییم زنده باد
جنبش علیه اعدام!

کمیته بین المللی علیه اعدام
۲۴ نوامبر ۲۰۱۲

Mina Ahadi
International Committee
against Execution
International Committee
against Stoning
minnaahadi@gmail.com
Tel: 0049 (0)
1775692413
http://
notonemoreexecution.org
http://
stopstoningnow.com/
wpress/

تجمعات اعتراضی کارگران بازنشسته ذوب آهن اصفهان ادامه دارد

اطلاعیه شماره ۱۷

از ۲۷ آبان تاکنون هر روزه کارگران
بازنشسته ذوب آهن اصفهان به
همراه خانواده های خود در
مقابل دفتر بازنشستگی این شهر
دست به تجمعات اعتراضی زده و
خواهان پرداخت حقوق معوقه خود
میشوند. به آنها وعده داده شده بود
که ۲۰ درصد به مستمری آنها
اضافه خواهد شد تا با حقوق
کارگران شاغل ذوب آهن همسان
سازی شود اما این مساله به فروش
سهام ذوب آهن و به آینده موکول
شده و روی کاغذ ماند.
در تجمع مهرماه کارگران،
براتی مدیر عامل و استاندار
و مسئولان وزارت صنعت و معدن

قول دادند و در تلویزیون اعلام
کردند که مشکل حل شده است و
منبعد حقوق کارگران بطور مرتب
پرداخت میشود، اما باز هم
کارگران را به وزارت صنایع و
معادن و تامین اجتماعی حواله
داده و دو ماه حقوق کارگران را
پرداخت نکرده اند. در مقابل این
وضعیت کارگران مدام دست به
تجمع اعتراضی میزنند. کارگران
میگویند چرا در این سن و سال و
با وجودیکه مرتباً سهم صندوق
بازنشستگی را پرداخت کرده اند،
هرماه باید برای گرفتن چندرغاز
حقوق خود اینهمه دردسر بکشند.
حزب کمونیست کارگری
قاطعانه از مبارزات کارگران
بازنشسته ذوب آهن اصفهان

حمایت میکند و آنها را به اتحاد و
تداوم مبارزه برای گرفتن حقوق
های معوقه، افزایش حقوق و
همینطور آزادی فوری کارگران
دستگیر شده در روز ۲۷ مهرماه
فرامیخواند. اینها و خواست های
بیانیه کارگران بازنشسته مبنی بر
طب و آموزش و پرورش رایگان،
خواست دهها هزار کارگر
بازنشسته ذوب آهن و خانواده های
آنها است. حزب کلیه بازنشستگان
ذوب آهن و خانواده های آنها و
مردم شریف اصفهان را به شرکت
فعال در اعتراض برای تحقق این
خواست ها فرامیخواند.
حزب کمونیست کارگری ایران
۴ آذر ۱۳۹۱
۲۴ نوامبر ۲۰۱۲

www.wpiran.org

سایت حزب:

www.rowzane.com

سایت روزنه:

www.newchannel.tv

سایت کانال جدید:

www.anternasional.com

نشریه انترناسیونال:

International Committee Against Stoning
(<http://stopstoningnow.com>)
International Committee Against Execution
(<http://notonemoreexecution.org>)

For more information contact:
Spokesperson: minaaahadi@aol.com
0049-177-569-2413

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: بهروز مهرآبادی

مسئول فنی: نازیلا صادقی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!